

ماهی گیر و اُختاپوس



نویسنده: تیم بییل

پیش‌گفتار مترجم

ترامپ که با شعار "بازگرداندن عظمت آمریکا" در سال ۲۰۱۶ وارد کارزار انتخاباتی شده بود، تقریباً در تمامی شوهای انتخاباتی-اش دو نکته در رابطه با سیاست خارجی را سعی می‌کرد که با زبان عوام‌فریبانه‌اش هیچ‌گاه از قلم نیندازد.

نخست، مسئله قرارداد اتمی موسوم به "برجام" (برنامه جامع اقدام مشترک و یا Joint Comprehensive Plan of Action) پیرامون برنامه هسته‌ای ایران بود که وی از همان ابتدا به این خاطر که گویا این قرارداد منافع ایالات متحده را زیر پا نهاده خواهان لغو آن بود، چیزی که البته اکثریت جمهوری‌خواهان نیز با او در این باره هم نظر بودند. وی در این مورد هیچ فرصتی را برای سرکوفت زدن به باراک اوباما و حکومت او به خاطر وصول چنین قراردادی از دست نداد. اگر چه او اوباما را به خاطر به اصطلاح "بی‌جربزه‌گی و عدم درایت کافی در شناخت منافع ایالات متحده" مورد سرزنش قرار می‌داد، اما، واقعیت امر این است که مخالفت وی در این مورد از دو منبع سرچشمه می‌گرفت. یکم، به خاطر مخالفت ذاتی وی با اوباما، رئیس جمهوری سیاه‌پوست و به باور وی کسی که در ایالات متحده زاده نشده بود و بنابراین شایسته مقام ریاست جمهوری نبوده و از این رو تمامی دست‌آوردهای وی باید پاک شده و از میان برود تا چیزی به نام او در تاریخ ایالات متحده باقی نماند؛ و دوم، به واسطه نزدیکی وی به مرتجع‌ترین جناح مذهبی حزب جمهوری‌خواه و پیوند متقابل آن‌ها به صهیونیست‌ها بر پایه آیات انجیلی بود. صهیونیست‌های حاکم بر اسرائیل که اساساً با سیاست خارجی حکومت اوباما، به ویژه در رابطه با ایران، موافق نبودند تمامی تخم مرغ‌های خود را در جریان

انتخابات ۲۰۱۶ در سید انتخاباتی ترامپ گذاشته و بی‌نیاز از گفتن است که سرانجام نیز به نتیجه مطلوب رسیدند.^۱

دوم، اما، مسئله به اصطلاح بحران کره شمالی بود که ترامپ مدعی آن بود که به هر قیمتی که شده باشد این بحران را حل خواهد نمود. اگرچه وی اولین سال ریاست جمهوری را با رجزخوانی در این مورد آغاز نمود، ولی دیری نپایید که با تغییر جهت صدو-هشتاد درجه‌ای خواهان ملاقات و گفت‌وگو با رهبر کره شمالی گردید.

اگر که پاره کردن قرارداد برجام نمی‌تواند برای وی به طور مثبت یک دست‌آورد در سیاست خارجی محسوب گشته و از این رو فاقد پتانسیل لازم در کمک رساندن به وی برای پیروزی در انتخابات ۲۰۲۰ می‌باشد، ولی هیچ‌گونه تردیدی نیست که امضاء هر گونه قراردادی با کره شمالی می‌تواند برای او افتخاری همیشگی دست-وپا نموده و در عین حال بُرد وی را در انتخابات ۲۰۲۰ به مقیاس وسیعی تضمین نماید.^۲

^۱ البته ترامپ نیز متعاقباً با انتقال سفارت ایالات متحده از تل‌آویو به بیت‌المقدس، به رسمیت شناختن شهر بیت‌المقدس به عنوان پایتخت تجزیه‌ناپذیر اسرائیل، و در نهایت پیشکش نمودن بخش‌هایی از سرزمین سوریه و اردن و تقریباً تمامی سرزمین فلسطین به اسرائیل تحت عنوان پیش‌نهاد صلح (طرحی که در آشپزخانه صهیونیست‌ها در تل‌آویو طبّاحی شده و جرد کوشنر در زیر آن انگشت زده بود) ادای دین نمود.

^۲ اگرچه هنگام نوشتن این سطور قراردادی مبنی بر متارکه جنگ میان ایالات متحده و گروه افغانی موسوم به طالبان در دوحه قطر به امضاء رسیده، اما این قرارداد نیز، مانند پاره کردن برجام برای ترامپ چندان آبی را گرم نخواهد کرد. نخست این که نفس امضاء چنین قراردادی میان امپریالیسم ایالات متحده، تنها ابرقدرت جهان، با گروهی که تا دیروز تروریستی خوانده می‌شد، نمی‌تواند مایه مباهات چندان، حتّاً برای امپراتوری کودنی مثل ترامپ باشد. مسئله دوم و مهم‌تر این است که امضاء قرارداد کذایی تازه اول راه مشکلات است. بر اساس این قرارداد ایالات متحده به مدت چهارده ماه دیگر در کشور باقی خواهد ماند، مدت زمانی طولانی که در طی آن مسائل بسیاری می‌تواند اتفاق بیفتد. گذشته از آن، شش ماه پس از مضحکه‌ای به اسم انتخابات هنوز هم برنده مشخصی اعلام نشده و جنگ و درگیری میان مرتجعین رنگارنگ برای تصدی خوان یغما ادامه دارد. در چنین بالیشویی است که ایالات متحده می‌خواهد گروه سابقاً تروریستی طالبان و در حال حاضر از نزدیکان ترامپ، با حکومت افغانستان بر سر آینده این کشور مذاکره کند. از این رو، بهره برداری ترامپ از امضاء چنین قراردادی برای نشان دادن برگ برنده‌ای در انتخابات آینده بسیار محدود و شکننده خواهد بود. امری که در آینده‌ای نزدیک باید شاهد آن بود.

مقاله حاضر به قلم تیم بیبل^۳ با عنوان *The Angler and the Octopus* در شماره ۶ (دوره ۷۱، نوامبر سال ۲۰۱۹) مانند ریویو منتشر گردید. نویسنده در این مقاله به بررسی زمینه‌های تاریخی به اصطلاح بحران کره شمالی پرداخته و مشکلات موجود بر سر راه انعقاد یک پیمان صلح بین دو طرف را بررسی نموده و سعی می‌کند که به این پرسش پاسخ دهد که آیا حکومت ترامپ، در چارچوب منافع امپریالیستی، توانایی دست یازیدن به صلحی پایدار در شبه جزیره کره را خواهد داشت؟

نیکو پورورزان

مارس ۲۰۲۰

^۳ Tim Beal استاد بازنشسته دانشگاه در نیوزیلند است. وی دارای تحقیقات وسیعی پیرامون آسیای شرقی، به ویژه شبه جزیره کره است.

ماهیگیر و

اُختاپوس

از فردای آن روزی که ایالات متحده شبه-جزیره کره را در سال ۱۹۴۵ به دو پاره تقسیم نمود، نیمه شمالی تا به امروز به طور بی وقفه از سوی این کشور با چالشی حیاتی رو-به-رو بوده است. کره خط هائل کرانه غربی امپراتوری است، منطقه مرزی ای که نیروی دریایی ایالات متحده را رویاروی نیروی زمینی روسیه و چین قرار می-دهد. کره شمالی توانسته است با استفاده از این وضعیت یک کشور مستقل را ایجاد کند - یعنی جمهوری دموکراتیک خلق کره. البته، استقلال کره شمالی امری است که به هیچ وجه خوش آیند مسکو و بیژینگ نبوده، اما از سوی این دو قدرت تحمل می‌شود، زیرا که وجود رژیمی که بخواهد از این یا آن یکی دنباله‌روی کرده و یا این که در حلقه امپراتوری ایالات متحده جذب شود، از جانب این دو کشور آلترناتیوی کاملاً نامطلوب به شمار می‌رود. واشنگتن به عنوان حاکم بلامنازع دنیا، البته علاقه چندانی به پذیرش این استقلال نداشته اما با محدودیت‌هایی رو-به-رو بوده که به ناچار آن را در عمل تحمل نموده است. این وضعیت برای کره شمالی، اما، مسئله بسیار خطرتری است. از یک سو، وقوع یک جنگ احتمالی نتیجه‌ای جز انهدام این کشور را در پی نخواهد داشت؛ در حالی که جنگ دیپلماتیک و اقتصادی جاری نیز حاصلی جز فقر و تنگدستی به همراه نداشته است. به عنوان مثال، گفته می‌شود که محصول ناخالص ملی سرانه در کره شمالی کمتر از چهار درصد

میزان آن در کرهء جنوبی است.^۴ برقراری رابطه با ایالات متحده برای کرهء شمالی به عنوان یک رهگشا در مسیر بقاء و دست‌یابی به رفاه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.^۵ برای ایالات متحده، اما، بحران کرهء شمالی چیزی جز یک بخش کوچک از صحنهء عمومی سیاست نیست که به رغم جذابیت ظاهری‌اش بیش از آن که محتوا داشته باشد خیال‌پردازی است.

به اصطلاح بحران کرهء شمالی جای‌گاه ویژه‌ای را در کارنامهء سیاسی ایالات متحده اشغال کرده است. مثلاً، اگر بخواهیم سیاست ایالات متحده در رابطه با خاورمیانه (که اکنون باید ونزوئلا را نیز بدان افزود) را ارزیابی کنیم، خواهیم دید که این سیاست از نیاز استراتژیک این کشور برای سلطه بر منابع انرژی نشأت می‌گیرد. یا این که در مورد سیاست ایالات متحده پیرامون برخورد با رقبای عمده‌اش، فارغ از تمامی تحریف‌هایی که در روایت رسمی از رویارویی با شوروی/روسیه و چین ارایه می‌شود، به روشنی می‌توان مشاهده نمود که اساس این رویارویی بر متن مبارزهء جغرافیایی بر علیه رقبای عمده قرار دارد. در این میان، اما، تفاوتی که بحران کرهء شمالی دارد در این حقیقت ساده نهفته است که [این به اصطلاح بحران] اساساً یک قضیهء سیاسی است که صرفاً برای مصارف

⁴ Yang Mo-deum, "Korea's Per-Capita GDP Is Less Than 4% of S. Korea's," *Chosun Ilbo*, September 30, 2016.

⁵ For an extended historical survey and analysis of this issue, see Tim Beal, "Korea and Imperialism," in *The Palgrave Encyclopedia of Imperialism and Anti-Imperialism*, 2nd ed., Immanuel Ness and Zak Cope (New York: Springer, 2019).

داخلی ساخته و پرداخته شده است. سوخت مورد نیاز برای به راه انداختن این بحران نیز توسط نیاز ویژه جغرا-سیاسی ایالات متحده به ایجاد تنش در آسیای شرقی تأمین گشته و اشتهای سیری-ناپذیر مجتمع‌های صنعتی-نظامی نیز به عنوان مکملی است که در تداوم بحران عمل می‌کند. کرهء شمالی بسیار کوچک‌تر از آن است که بتواند هیچ گونه تهدید واقعی برای ایالات متحده بیافریند، به جز آن که بخواهد در شرایط مفروضی که مورد تهاجم قرار گرفته باشد دست به عملیات تلافی-جویانهء انتحاری بزند. اما به هیچ روی دور از انتظار نیست که سیاست رابطهء تنگاتنگی با واقعیات موجود نداشته باشد. علاوه بر آن، روایت موهوم به اصطلاح تهدید کرهء شمالی در طی چندین نسل، به ویژه در یکی-دو دههء اخیر از سوی سیاست‌مدارها، بخش نظامی و امنیتی، و هم چنین رسانه‌ها آن گونه پرورده شده که اکنون توانسته است برای خود مستقلاً اعتباری بی‌چالش دست-و-پا نماید. واقعیت امر در طی هفت دههء گذشته تا به حال این بوده که اغلب روءسای جمهور ایالات متحده خود را مُقید به "انجام کاری" در مورد کرهء شمالی می‌دیده‌اند. نوع رفتار و کردارشان از تهدید (دیپلماسی زور و گزینهء عملیات نظامی) تا مذاکره دایماً در نوسان بوده است. البته، هر وقت که نوبت به مذاکره می‌رسید همواره پیشاپیش محکوم به شکست بوده زیرا که [از سوی ایالات متحده] احتمالاً آن گونه طراحی می‌شدند که خواه-ناخواه به شکست بینجامد زیرا که همیشه با پیش-شرط‌ها و خواسته‌هایی همراه بوده که ذاتاً نمی‌توانسته مورد قبول پیونگ-

یانگ باشد. شکست مذاکرات در هر کدام از این موارد به این خاطر که هیچ خطری را در پی نداشته از سوی دیوان‌سالاری دولت ایالات متحده نه تنها به راحتی پذیرفته شده، بلکه در خفا از آن راضی نیز بوده‌اند زیرا که حل-و-فصل این به اصطلاح بحران در واقع می‌توانست به معنای آغاز مشکلات واقعی باشد. واقعیت این است که در صورت استقرار یک صلح پایدار در شبه جزیره کره حضور نظامی ایالات متحده و استراتژی این کشور در شرق آسیا دچار فرسایش جدی خواهد شد. به علاوه، اگر کره شمالی به عنوان یک کشور مستقل و از مواضعی سازش‌ناپذیر بتواند تنها از طریق مذاکره و بخشاً با اتکاء به نیروی بازدارنده هسته‌ای به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در شبه جزیره دست یابد، این امر به احتمال قوی کشورهای دیگری را نیز که در شرایطی مشابه به سر می‌برند به دنبال کردن این راه تشویق نموده که به نوبه خود باعث تضعیف هژمونی جهانی ایالات متحده خواهد شد. تا کنون، اما، مذاکرات ایالات متحده با کره شمالی تنش را میان تمایل رییس جمهور برای به اصطلاح "انجام کاری" و اراده دولت در "عدم انجام هیچ کاری" برای تداوم وضع موجود به نمایش گذاشته است. اما، ریاست جمهوری داندل ترامپ به واسطه عدم هماهنگی شدید وی با دیگر بخش‌های دستگاه دولتی به این نمایش بُعد تازه‌ای داده و رابطه خصمانه میان رییس جمهور و دیوان‌سالاری دولت را علنی ساخته است.

کرهء شمالی و ایالات متحده، دو کشوری که از بسیاری جهات، از جمله تجربهء تاریخی، وسعت و اندازه، انگیزه، و نحوهء حکومت آن چنان از یک-دیگر متفاوت‌اند که بسیار مفید خواهد بود که به رابطهء این دو به مثابهء مبارزه میان یک ماهی‌گیر که به رغم ضعیف بودن بر وظیفهء اصلی خویش متمرکز بوده، و یک اُختاپوس که اگر چه عظیم‌الجثه و قدرتمند است اما ناهم‌آهنگ و نقطهء کانونی روشن و وحدت‌زایی به جز ولع سیری ناپذیرش ندارد، نگریده شده.

اُختاپوس ایالات متحده و امپراتور نابالغ

پیرمرد ارنست همینگوی با یک نیزه-ماهی، ماهی عظیم‌الجثه‌ای که از قایق‌اش هم درازتر بود جدال نمود. اما، در معادله حاضر ایالات متحده را، در مقام مقایسه، به یک دلیل عمده باید به جای نیزه-ماهی به مثابه یک اُختاپوس در نظر گرفت. نیزه-ماهی‌ها، یا ماهی‌ها به طور اعم، و اصولاً حیوانات در کلیت‌شان (هم انسان و هم غیرانسان) جملگی دارای مغزی هستند که اساساً بقیه اندام‌های بدن‌شان را زیر کنترل دارد. اُختاپوس، اما، در این زمینه متفاوت است. "این‌ها [اُختاپوس‌ها] نیز، همانند انسان‌ها دارای دستگاه عصبی متمرکز هستند، اما در مورد آن‌ها تمایز آشکاری میان مغز و بدن وجود ندارد. عصب‌های یک اُختاپوس در سراسر بدن‌اش پخش شده است. اما، به میزان دو-سوم از عصب‌ها در پای‌های‌اش قرار دارد. به این خاطر، هر کدام از پاها می‌تواند به طور هوشیارانه و مستقل از دیگر پاها اقدام نموده، به چیزی متوسل شده، و یا مستقلاً شکار کند."⁶ اُختاپوس از هوشمندی و دستگاه تصمیم‌گیری نامتمرکز برخوردار است و به این خاطر درست‌تر آن است که در این جدال ایالات متحده را به جای نیزه-ماهی با اُختاپوس قیاس نمود.

⁶ Amia Srinivasan, "The Sucker, the Sucker!," *London Review of Books*, September 7, 2017.

حکومت ترامپ اگر چه خود مولّد ناکارآمدی و طبیعت ناهماهنگ اُختاپوسی دیوان‌سالاری دولتی نیست، اما، به دلیل داشتن یک هسته مرکزی بسیار نرم، بی‌تردید موجبات تشدید آن را فراهم می‌سازد. شاخک‌های این اُختاپوس نه تنها نسبت به کانون مرکزی هدایت و کنترل بسیار بزرگ‌اند، بلکه هم چنین اساساً بی‌تناسب نیز هستند. بازوی زیربنای فیزیکی پیر و از کار افتاده است؛ اندامی که نماینده خدمات اجتماعی مانند بیمه درمانی است، سست و ناتوان بوده؛ در حالی که بازویی که نماد ارتش و به اصطلاح ابزار امنیت ملی است به شدت متورم است.^۷ این مسئله تنها خاص ایالات متحده نبوده و دیرزمانی پیش از ترامپ وجود داشته، اگر چه وی به طور محسوسی وضع را بدتر ساخته است. به عنوان نمونه، وزارت خارجه که نگران ضعف در سیاست خارجی ایالات متحده بوده، خود از درون خالی شده است.

آن قدر پیرامون روان‌شناسی ترامپ سخن گفته شده که در این جا نیازی به تکرار آن نیست. وی هم چون امپراتور نابالغی است که توسط درباریان دغل‌باز و آگاه‌تر اداره می‌شود، اما این اختیار را دارد که هر کدام‌شان را که بخواهد فی‌البداهه اخراج نماید (کاری که وی غالباً انجام داده است).

7 Jessica T. Mathews, "America's Indefensible Defence Budget," New York Review of Books, July 18, 2019.

همان گونه که در رسانه‌ها به وضوح تشریح شده و نماد آن نیز در روسیه-گیت^۸ تبلور یافته، در تاریخ مدرن ایالات متحده هیچ رییس جمهوری را نمی‌توان یافت که به اندازه ترامپ مورد مخالفت و مقاومت از سوی دیوان‌سالاری و نخبه‌گان سیاسی قرار گرفته باشد. انتقاد نخبه‌گان سیاست خارجی ایالات متحده از ترامپ، اگر چه ممکن است که با عین این الفاظ بر زبان نیاورند، اما، در اساس این است که وی نمی‌فهمد که در رأس صرفاً یک کشور قرار نگرفته، بلکه سگان یک امپراتوری به دست وی داده شده است. او از اهمیت تشکیل ائتلاف‌های مختلف و دیپلماسی که از مؤلفه‌های اساسی امپراتوری است چیزی سر در نمی‌آورد. دانش وی بسیار ناقص و پراکنده بوده و استراتژی او [به فرض این که داشته باشد] کاملاً نامنسجم است. اگر چه شخص وی در این مورد منحصر به فرد نیست، اما در این نواقصی که برشمرده شد شاید از همه پیش‌تر باشد.

اتفاقاً، همین جهالت ترامپ نسبت به نقش خویش به منزله یک امپراتور از یک سو و از سوی دیگر سرشت خودشیفته و شخصیت پریشیده وی مجموعاً ممکن است که به صورتی تناقض‌وار احتمال بسیار ضعیفی را برای ایجاد صلح در شبه جزیره کره تصادفاً فراهم سازد. واقعیت این است که یک رییس جمهور باهوش‌تر از

^۸ Russiagate - اشاره‌ای است به تحقیقات رابرت مولر (Robert Mueller)، بازرس ویژه پرونده تحقیقات پیرامون اتهام ارتباط کمپین انتخاباتی ترامپ با ولادیمیر پوتین و دخالت رژیم وی در روند انتخابات سال ۲۰۱۶ ایالات متحده که در طی آن ترامپ توانست با اتکاء به رأی اکثرال کالج (Electoral College) به مسند ریاست جمهوری دست یابد.

وی، مثلاً باراک اوباما، راضی به صلح نمی‌شد، اما به دور از انتظار نخواهد بود که ترامپ سکندری خورده و چهار دست‌وپا در آن بیفتد. اگرچه در عالم واقع احتمال این که چنین اتفاقی بیفتد ضعیف است، اما به اندازه‌ای هست که کارگزاران سیاست خارجی ایالات متحده را به وحشت انداخته باشد. با این وجود، همان طور که خواهیم دید، علایمی موجود است که برخی به دنبال راه‌هایی می‌گردند که چنان چه در صورتی که ترامپ موفق به "حل بحران کره شمالی" شده و در این رهگذر احتمالاً جایزه صلح نوبل را هم کسب کند، بتوانند از آن طرق به رتق و-فتق عواقب آن بر آمده و خطراتی را که از این منظر هژمونی ایالات متحده به طور اعم و استراتژی جغرا-سیاسی آن در منطقه آسیای شرقی را به طور اخص تهدید می‌کند تا حد ممکن محدود نمایند.

کمپین صلح کرهء شمالی و دینامیسم آن

کیم جونگ-اون، رهبر کرهء شمالی، در پیام سال نو ۲۰۱۸ خود به تحولات بسیار چشم‌گیری اشاره کرد.^۹ وی در این پیام ادعا نمود که "کرهء شمالی در زمینهء تسلیحات هسته‌ای در سال ۲۰۱۷ به آن چنان پیش‌رفت‌هایی دست یافته است که ایالات متحده دیگر جرأت نخواهد کرد که آتش جنگی را بر علیه وی و کشورش برافروزد." احتمالاً، اعتمادی که این چنین نیروی بازدارنده‌ای ایجاد نمود مبنایی شد که تا وی بتواند به تعرض دیپلماتیک برای صلح دست بزند. ایالات متحده اما مسئله را به شکلی کاملاً متفاوت تصویر می‌کند. ایالات متحده در عوض مدعی است که سیاست "فشار حداکثر" که از سوی این کشور اعمال گشته پیونگیانگ را مجبور ساخته است که تا به دنبال صلح بر اساس شرایط ایالات متحده باشد. در این تردیدی نیست که درک این نکته که کدام نیروی رانشی - اعتماد به نفس یا ناگزیری - توضیح بهتری را در این مورد به دست می‌دهد از اهمیت به سزایی برخوردار است. اگر فشار حداکثر، یعنی تشدید جنگ اقتصادی و دیپلماتیک و تهدیدات نظامی، را به عنوان عامل توضیح دهنده بپذیریم، آن گاه تداوم این سیاست و ارتقاء آن در هر زمینه‌ای که امکان داشته باشد پیروزی را برای [ایالات متحده] به دنبال خواهد داشت - به این مفهوم که

⁹ Kim Jong-un, "New Year Address 2018," *Rodong Sinmun*, January 1, 2018.

کره شمالی [زیر فشار حداکثری] تمامی فعالیت‌های هسته‌ای را رها کرده و عواقب ناشی از آن را نیز خواهد پذیرفت. اما، اگر که نیروی محرک در واقع اعتماد به نفسی که برآمد دست‌یابی به تسلیحات هسته‌ای و بنابراین توان ایستاده‌گی در برابر فشارهای ایالات متحده باشد، آن گاه اوضاع شکلی کاملاً متفاوت به خود خواهد گرفت - به این معنی که سر باز زدن از کرنش در برابر خواسته‌های ایالات متحده به بن‌بست در مذاکرات ایالات متحده-کره شمالی انجامیده، موجب کاهش پیروی چین و روسیه از ایالات متحده شده، و احتمالاً به بحرانی در کره جنوبی دامن زده زیرا که مون جی-این^{۱۰}، رئیس‌جمهور کره جنوبی، میان خواست تنش‌زدایی در شبه جزیره کره از یک سو و از سوی دیگر ضدیت ایالات متحده با آن، در تنگنا قرار خواهد گرفت.

هژده ماه پس از آغاز تعرض دیپلماتیک صلح از سوی کیم جونگ-اون اکنون به طور فزاینده‌ای روشن است که "کره شمالی دچار ناگزیری نیست."^{۱۱} اعتماد به نفس ناشی از نیروی بازدارنده‌گی تسلیحات هسته‌ای و توان کره شمالی به مقاومت در برابر فشار حداکثر موجب تحولی در پهنه دیپلماتیک شده، حمایت چین و روسیه را افزایش داده و در صفوف ایالات متحده تفرقه ایجاد نموده است.

¹⁰ Moon Jae-in

¹¹ Ruediger Frank, "North Korea Is Not Desperate: The New Geostrategic Environment in East Asia," *38 North*, July 11, 2019.

دام گستردن ماهی‌گیر

کیم جونگ-اون در سال ۲۰۱۷ برای یک ملاقات بی‌واسطه با ترامپ اقدام نمود که ناموفق ماند. در عوض، این اقدام وی منجر به ایراد تهدیدهای خصمانه از سوی ترامپ گردید. اما، کیم این بار با دست زدن به مانورهای غافل‌گیرانه، بی‌اعتنا به ترامپ، مستقیماً به سراغ مون‌جی-این رفت. مون که از سر برکت جنبش شمع-افروزان^{۱۲} به قدرت رسید، به رغم تمامی لفاظی‌های اش، به زودی آشکار گردید که قصد این را ندارد که برای پیش‌رفت صلح در شبه-جزیره کره کار موثرتری انجام دهد. در حقیقت، وی توانایی لازم برای ایستادن در برابر ایالات متحده و یا بلوک راست/نظامی داخل کشور را ندارد. از آن جایی که ایالات متحده و بلوک داخلی راست/نظامی هیچ‌گونه تمایلی به صلح ندارند^{۱۳}، از این رو مادامی که مون زیردست آن‌ها باشد دست‌آورد چندانی نمی‌تواند داشته باشد.^{۱۴} می‌بینیم که در عمل نیز چنین شده است.^{۱۵} در حقیقت، کیم جونگ-اون نیز در سخنرانی‌اش عیناً به این نکته اشاره نمود اگرچه به رسم دیپلماتیک از بردن نام مون خودداری نمود. وی سپس با استفاده از کارت المپیک [زمستانی سال ۲۰۱۸] پیش‌نهاد کرد که شمال نیز

¹² Candlelight Revolution

¹³ البته به استثناء صلحی که به دنبال فتح کره شمالی حاصل شده باشد.

¹⁴ Tim Beal, "A Korean Tragedy," *Asia-Pacific Journal: Japan Focus* 15, no. 16 (2017); Tim Beal, "A Korean Tragedy: Update," *Zoom in Korea*, September 12, 2017.

¹⁵ Seong Yeon-cheol and Kim Ji-eun, "President Moon Reiterates Commitment to Intense Sanctions and Pressure on North Korea," *Hankyoreh*, December 1, 2017.

در برگزاری بازی‌ها [با کرهء جنوبی] همکاری کند " زیرا که حق طبیعی ما هست که در شادی برگزاری این رخداد خجسته با آن‌ها شریک باشیم و در برگزاری بازی‌ها کمک‌شان کنیم."^{۱۶}

المپیک زمستانی که در پیون‌چانگ^{۱۷} در فوریهء ۲۰۱۸ برگزار شد برای کرهء جنوبی از اهمیت بالایی برخوردار بود. پیش‌نهاد کیم جونگ-اون از سوی جریان‌های مترقی و هم‌چنین از سوی رییس‌جمهور کرهء جنوبی مورد استقبال قرار گرفت. اگرچه ایالات متحده و محافظه‌کاران در کرهء جنوبی آشکارا راضی به چنین هم‌کاری نبودند، اما نمی‌توانستند به طور علنی با آن مخالفت کنند. از این رو، سعی نمودند که عدم مخالفت خود را با این استدلال واهی که گویا کرهء شمالی در صورت عدم پذیرش پیش‌نهادش در روند بازی‌ها اختلال ایجاد می‌نمود توجیه کنند.

بدین ترتیب بود که تعرض دیپلماتیک صلح در سال ۲۰۱۸ آغاز شد. کیم در دهم فوریهء ۲۰۱۸ پیش‌نهاد برگزاری یک نشست را به مون داد که مورد پذیرش وی واقع شد. این نشست در دهکدهء پان‌مون-جُم^{۱۸} در تاریخ ۲۷ آوریل همان سال برگزار گردید. اگرچه داشتن روابط حسنه با جنوب برای کرهء شمالی از اهمیت بالایی برخوردار است، اما در نهایت رابطه با ایالات متحده است که اهمیت حیاتی

¹⁶ Kim Jong-un, "Kim Jong Un's New Year Address," *Rodong Sinmun*, January 1, 2018.

¹⁷ Pyeongchang

¹⁸ Panmunjom دهکدهء کوچکی واقع در منطقهء غیرنظامی که دو کره را از هم جدا می‌سازد.

دارد. واقعیت این است که کرهء جنوبی تحت سلطهء ایالات متحده قرار داشته، و این نیروی نظامی ایالات متحده است که استقلال کرهء شمالی را تهدید می‌کند و نیروی اقتصادی و دیپلماتیک ایالات متحده است که گرسنگی مرگباری را بر مردم کرهء شمالی تحمیل نموده است. به خاطر محدودیت آزادی عمل سئول، بهبود روابط با جنوب به خودی خود دست‌آورد زیادی نخواهد داشت. مون بدون تأیید ایالات متحده قادر به انجام هیچ کاری نیست که به طور واقعی به کاهش تنش میان دو کره بینجامد.^{۱۹} به همین دلیل است که کیم مانند مشت‌زنی که با دست چپ به حریف سیخونک زده تا با دست راست ضربهء کاری را وارد سازد، به طور یک‌جانبه و برای بهبود روابط با ایالات متحده دو پیش‌نهاد را مطرح نمود.

¹⁹ Yonhap, "South Korea Seeking Sanctions Waiver for Road Survey in North Korea" *Korea Times*, January 22, 2019.

پیشنهاد دوگانه به ایالات متحده

پیشنهاد نخست اگر چه توجه چندانی را به خود جلب نکرد، اما به این دلیل که هسته مرکزی یک پیمان صلح ممکن را در خود داشت، در واقع امر از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بود. در گزارشی که از سوی کیم جونگ-اون به کمیته مرکزی حزب کارگران کره^{۲۰} ارائه شد، جمهوری دموکراتیک خلق کره در ۲۱ آوریل ۲۰۱۸ اعلام نمود که به طور یک-جانبه تمامی آزمایشات مربوط به تسلیحات هسته‌ای و موشک‌های دوربرد را به حالت تعلیق در می-آورد.^{۲۱} البته، تصمیم مشابهی نیز در واپسین روزهای زمام‌داری بیل کلینتن اتخاذ شده بود. اما، آن تصمیم در سال ۲۰۰۵ پس از آن که حکومت جورج دابلیو بوش چارچوب مورد توافق طرفین را فسخ نموده و کمترین علاقه‌ای هم به مذاکره نشان نمی‌داد، کنار نهاده شد.^{۲۲} در واقع، اگر بوش در چارچوب مورد توافق طرفین باقی مانده بود کره شمالی نیز تعهد خویش به تعلیق آزمایشات هسته‌ای و موشک‌های دوربرد را زیرپا نمی‌گذاشت. این بار، اما، مسئله متفاوت بود. کیم مدعی شد که آزمایشات دیگر "ضرورتی نداشته" و روند

²⁰ Workers' Party of Korea (WPK)

²¹ "Third Plenary Meeting of Seventh C.C., WPK Held in Presence of Kim Jong Un," *Ministry of Foreign Affairs DPRK*, April 21, 2018; Yonhap, "North Korea Decides to Suspend Nuclear, Missile Tests, Shut Down Atomic Test Site," *Korea Times*, April 21, 2018.

²² "False Analogies: North Korea's History of Missile Test Moratoria," *38 North*, May 6, 2019.

دستیابی به تسلیحات هسته‌ای تکمیل شده است. این چنین بزرگ‌نمایی از سوی کره شمالی دو موضوع مهم را مخفی ساخت.

تمامی کشورهایی که تا کنون به سلاح اتمی دست یافته‌اند در مراحل اولیه نیاز به انجام آزمایشات عملی داشتند. برای مثال، ایالات متحده در پروسه دستیابی به سلاح هسته‌ای بیش از یک هزار آزمایش انجام داد. در این مورد تنها کشور اسرائیل یک مورد استثنایی است، و آن هم صرفاً به این دلیل که آزمایشات ضروری توسط کسانی انجام شد که این فن‌آوری را در اختیارش گذاشتند. ایالات متحده و دیگر کشورهای سرآمد در زمینه سلاح هسته‌ای پیمان منع آزمایش را امضاء نمودند زیرا که از نظر فن‌آوری اتمی به مرحله‌ای رسیده‌اند که دیگر نیازی به انفجار واقعی نداشته بلکه صرفاً می‌توانند به آن چه که آزمایش زیر خط بحرانی^{۲۳} نامیده می‌شود بسنده کنند.^{۲۴} کیم در ۲۱ آوریل ۲۰۱۸ اعلام نمود که کره شمالی توانسته است که آزمایش زیر خط بحرانی را با موفقیت انجام دهد. اگرچه این ادعا به خودی خود درستی حرف وی را اثبات نمی‌کند. اما، اگر این ادعا معتبر باشد آن گاه می‌تواند ابهامی را به نفع کره شمالی ایجاد کند.^{۲۵}

^{۲۳} subcritical test - آزمایشی که با استفاده از جرم معینی از ماده شکافت‌پذیر (اورانیوم) انجام می‌شود که کمتر از مقدار مورد نیاز برای دستیابی به یک واکنش زنجیره‌ای خودکفاست.

^{۲۴} Kyodo, "US Conducts Subcritical Nuclear Test," ABC, February 24, 2006; Ian Sample, "Is Britain Conducting Nuclear Tests?," Guardian, February 25, 2006.

^{۲۵} Ankit Panda and Vipin Narang, "North Korea's Nuclear Program Isn't Going Anywhere," *Foreign Affairs*, August 13, 2018.

پای دوم این قضیه آزمایش‌های مربوط به موشک‌های دوربرد بوده که آن نیز ابهام‌آفرین است. پرسش اساسی [در مورد موشک‌های دوربرد] این است که آیا کرهء شمالی توانسته است که به فن‌آوری باز-ورود^{۲۶} به طور کامل دست یابد. کلاهیک موشک‌های دوربرد (قاره پیمای) هنگام باز-ورود به اتمسفر به علت گرمای بسیار شدیدی که ایجاد می‌شود نیاز به حفاظت دارد، زیرا که در غیر این صورت پیش از رسیدن به هدف نابود خواهد شد. به رغم این که کرهء شمالی ادعای کرهء مدعی است که به این چنین فن‌آوری لازم دست یافته، اما برخی از متخصصین خارجی در مورد درستی این ادعا تردید دارند.

از این رو، پیش‌نهاد تعلیق [فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی] یک-جانبه از سوی کرهء شمالی تأمین‌کننده چیزی است که می‌توان آن را سپر دفاعی مبهم نام نهاد. همان گونه که بعداً خواهیم دید این امر ممکن است که از اهمیت بالایی برخوردار باشد، زیرا که برای مقامات ایالات متحده این فرصت را فراهم می‌آورد که [پیش‌نهاد] توقف [یک‌جانبه] تمامی آزمایشات هسته‌ای و محدود کردن برنامهء تسلیحات هسته‌ای کرهء شمالی را بر این اساس که این کشور هنوز ظرفیت لازم برای انجام اقدامات تلافی‌جویانه در خاک ایالات متحده را به دست نیاورده است بپذیرند.

²⁶ re-entry technology

تعلیق آزمایش‌ها در عین حال یکی دیگر از جوانب به اصطلاح بحران کرهء شمالی را هدف می‌گیرد. همان طور که در ابتدای این مقاله اشاره نموده‌ام، کرهء شمالی هیچ گونه تهدید نظامی که واقعاً بتوان آن را تهدید نامید، قطع نظر از مسایلی نظیر توان فنی باز-ورود، برای ایالات متحده ایجاد نمی‌کند. کرهء شمالی کشور بسیار کوچکی است که حتّاً با فرض داشتن تعدادی موشک قاره-پیما مجهز به کلاهک‌های هسته‌ای هم هیچ گاه به طور یک‌جانبه به ایالات متحده حمله نخواهد کرد. کرهء شمالی به خوبی واقف است که با دست زدن به چنین عملی نه تنها چیزی عایدش نخواهد شد، بلکه شکست و احتمالاً نابودی مطلق اجتناب ناپذیر خواهد بود. تهدید به عملیات تلافی‌جویانه به عنوان عاملی بازدارنده یک چیز است؛ در حالی که یک حملهء تجاوزکارانه امری کاملاً متفاوت است. افسانهء خطر کرهء شمالی صرفاً محصول سیاست داخلی ایالات متحده است که در طی چندین دههء گذشته تولید شده است. واهمه‌ای که از این به اصطلاح تهدید پا گرفته، واهمه‌ای قلابی است که نه تنها به مدد تبلیغات بی‌امان، بلکه هم چنین به این دلیل که روند تحولات به ناگزیر در انظار همگان قرار داشته، جا افتاده است. آزمایش‌های هسته‌ای و موشکی از سوی کرهء شمالی مُستمسک مورد نیاز و خوراک تبلیغاتی سیاست‌مداران، مقامات رسمی، و رسانه‌ها را فراهم می‌سازد. در حقیقت، این آزمایش‌های تسلیحاتی است که بیش از خود تسلیحات توجه سیاسی و بالطبع همگانی را جلب می‌کند. بر اساس این واقعیت است که برخی مدل اسراییلی

مدیریت ذهنیت همگانی را مطرح ساخته‌اند، موضوعی که در دنباله به آن خواهیم پرداخت.^{۲۷}

اما، گامی که کرهء شمالی بار دوم برداشت بیشترین توجه را به خود جلب نمود. کیم این بار صحنهء نمایش سیاسی را به یک شومن تله‌ویزیونی ارایه کرده بود، طعمه‌ای که برای شومن بسیار وسوسه برانگیز بود. چانگ او-یونگ، مشاور امنیت ملی مون، پس از ملاقات با کیم در پیونگ‌یانگ مستقیماً به واشنگتن رفت تا در آن جا از جانب کیم ایالات متحده را به نشست دعوت کند؛ دعوتی که ترامپ – از آن جایی که خود را معامله‌گری قهار می‌داند که جرأت ورود به معامله را داشته و از برد و باخت هراسی ندارد، چیزی که به زعم وی مابقی روءسای جمهور فاقد آن بودند – نیز آن را پذیرفت.^{۲۸}

آیا کیم خواهد توانست کاری را که پدر و پدر بزرگ‌اش ناتوان از انجام آن بودند، یعنی کشاندن رئیس جمهور ایالات متحده به پای میز مذاکره‌ای جدی بر سر هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، به انجام برساند؟ به این پرسش تنها زمان پاسخ خواهد گفت. اما، استعاره ماهی‌گیری که با صبر، زرنگی، و استقامت آبزی بزرگی را صید کرده و به ساحل می‌آورد می‌تواند برای یافتن پاسخ کمک کند.

²⁷ Jeffrey Lewis, "Your Mission Is to Keep All This from Collapsing into Nuclear Hellfire," *Foreign Policy*, September 18, 2018.

²⁸ Mark Landler, "North Korea Asks for Direct Nuclear Talks, and Trump Agrees," *New York Times*, March 8, 2018.

آبزی مورد نظر بسیار بزرگ و نیرومند بوده، در حالی که قلاب ماهی‌گیری تناسبی با آن نداشته و بالنسبه بسیار ضعیف‌تر است. اگر ماهی‌گیر به صید فرصت بدهد که برای گریز از دام آزادانه شنا کند، آن گاه صید نهایتاً به انتهای نخ قلاب رسیده و آن وقت است که خواهد توانست آن را پاره کند. اگر هم که ماهی‌گیر بخواهد صید را بدون شکیبایی دایم به این سو و آن سو بکشانند، صید دست به مقاومت زده و در نتیجه باز هم خواهد توانست که نخ قلاب را پاره کند. همان طور که پیرمرد همینگوی می‌گوید:

"می‌تونم نخ قلابو به سرعت بکشم و سعی کنم که ماهی-
یه را بیارم بالا. اما، اون وقت ماهی‌یه می‌تونه نخو پاره
کنه. عوضش بایسی تا جایی که می‌شه همین جور نگهش
دارم، و هر وقت هم که دیدم زورش داره زیادتر می‌شه،
اون وقت یه کم نخ بهش بدم."^{۲۹}

صید پیرمرد همینگوی نیزه-ماهی بود، در حالی که کیم با یک اُختاپوس، موجودی بسیار پیچیده‌تر، در جدال است..

واکنش دیوان‌سالاری ایالات متحده در قبال موافقت ترامپ با دعوتی که از او به عمل آمده بود با ناباوری، شرم زده‌گی، استیصال، و نگرانی همراه بود.^{۳۰} جالب این جاست که عدم تأیید

²⁹ Ernest Hemingway, *The Old Man and the Sea* (New York: Charles Scribner's Sons, 1952).

³⁰ Jennifer Rubin, "Damage Control at White House to Reverse Trump's Stunning Blunder." *Washington Post*, March 9, 2018.

این تصمیم ترامپ غالباً در پوشش الفاظ سکمی و آن هم در شکل هم‌جنس-گرایی ستیزی به منظور نامشروع جلوه دادن آن بیان شده است: این نکته در اشکال گوناگون به عنوان "دیپلماسی دوست-بازی" و "لاس زدن‌های فی‌البداهه" بیان گردید.^{۳۱}

عدم تأیید از سوی دیوان‌سالاری ایالات متحده تنها یک بخش از مسئله است. مهم‌تر این است که طبیعت اُختاپوسی حاکمیت در ایالات متحده این بار به واسطه مدیریت نامنجم و به هم ریخته‌ء ترامپ تشدید می‌گردد. از این گذشته، وی خود شخصاً تمامی مقامات کلیدی را انتخاب می‌کند، که از جمله مایک پُمنو^{۳۲}، وزیر خارجه، جان بولتن^{۳۳}، مشاور سابق امنیت ملی و جای‌گزین وی رابرت اُبراین^{۳۴}، را شامل می‌شود. در این تردیدی نیست که هیچ رهبری [در انتخاب مشاورین‌اش] کاملاً دستِ باز نداشته و مجموعه‌ء کاندیداهایی هم که در اختیار اوست به واسطه‌ء قید-و-بندهای مختلف محدود است. با این وجود، هدف باید دست‌چین کردن مشاورینی باشد که به طور عام مدافع چشم‌انداز رهبر باشند – البته این به شرطی است که رهبر اصلاً خودش دارای چشم‌انداز روشنی باشد که در مورد ترامپ می‌توان به درستی ادعا نمود که وی

³¹ Victor Cha and Christian A. Katz, "What to Expect at the Second North Korea Summit," *Foreign Affairs*, February 22, 2019; William J. Burns, "The Lost Art of American Diplomacy," *Foreign Affairs*, March 27, 2019.

³² Mike Pompeo

³³ John Bolton

³⁴ Robert O'Brien

در اساس فاقد چنین چیزی است. اما ترامپ تا کنون به وضوح نشان داده است که تنها صلاحیتی که یک فرد برای احراز هر مقامی باید داشته باشد وفاداری علنی به وی و کمی هم برخورداری از خوی مجادله‌گری است.^{۳۵}

موضع شخص اُبراین در مورد کرهء شمالی هنوز مشخص نیست، اما محتمل این است که وی از پمپئو پیروی خواهد کرد. جان بولتن، زمانی که هنوز در کاخ سفید بود موضعی مستقل داشت و عمیقاً مخالف مذاکره با کرهء شمالی (اساساً با اصل مذاکره با هر کشوری که باشد) بود. واقعیت این است که وی همواره تهدید و ارباب را بر گفت-و-گو ترجیح می‌دهد. وی تمام عمر سیاسی خویش را در دشمنی با تقریباً بقیهء دنیا و تنش‌های حاصل از آن زیسته است. اصولاً صلحی که بر پایهء گفت-و-گو حاصل شود هیچ‌گاه در فرهنگ واژه‌گان جان بولتن جایی نداشته است.

در مقابل، تشخیص موضع پمپئو اندکی سخت‌تر است کاملاً روشن است که سیاست وی پیرامون خاورمیانه عمیقاً تحت تأثیر باور وی به مسیحیت انجیلی قرار داشته و وی بر این باور است که گویا خداوند انجیلی وی ترامپ را برای حفاظت اسرائیل از گزند ایران روانه کرده است. اما، در مورد خاور دور شاید بتوان از وی برخوردی منطقی‌تر و مصلحت‌گرایانه‌تر را انتظار داشت که

³⁵ Stephen Costello, "Time to Internationalise Diplomacy with North Korea," *East Asia Forum*, June 17, 2019.

چندان متأثر از اصول دین نباشد، امری که شاید بیشتر برازنده‌ی یک رییس اسبق سازمان اطلاعات مرکزی است.^{۳۶} پمپئو ممکن است که با قراردادی که در انطباق با استراتژی وی در راستای حفظ هژمونی ایالات متحده بوده و مهم‌تر این که بلندپروازی‌های شخصی وی را ارضاء کند موافقت نماید.

آن طور که گفته می‌شود، پمپئو و بولتن نظرات متضادی داشته و به طور طبیعی رقیب یک‌دیگر بودند.^{۳۷} از سوی دیگر دستگاه سیاست خارجی ایالات متحده هیچ‌گونه دلیل قانع‌کننده‌ای نمی‌یابد که از یک توافق قابل حصول حمایت نموده و از این رو به هر شکلی که بتواند، آشکارا یا مخفیانه، با آن مخالفت خواهد نمود.

بدین ترتیب می‌بینیم که قوه تفکر مرکزی اُختاپوس ایالات متحده کنترل چندانی بر دیگر ارگان‌ها، که در این مورد مخالف تنش‌زدایی هستند، ندارد. ترامپ در مرکز این قوه تفکر قرار دارد: شخصیتی سراسیمه، خودشیفته، و دمدمی مزاج که به راحتی می‌توان وی را به بازی گرفت. از این رو، چه کسی بهتر از مشاورین اش نظیر پمپئو، بولتن، اُبراین و امثالهم که او را به بازی بگیرند؟

غالباً این‌گونه ادعا می‌شود که گویا کیم دارد به ترامپ ترفند می‌زند. اگرچه شاید ذره‌ای حقیقت در این ادعا نهفته باشد، اما اساساً این

³⁶ "Pompeo Says God May Have Sent Trump to Save Israel from Iran," *BBC*, March 22, 2019.

³⁷ Thomas Wright, "John Bolton and Mike Pompeo Are Headed for a Clash," *Politico* May 9, 2018.

چنین ادعایی ریشه در اعماق کلیشه‌های نژادی داشته که کمترین رابطه‌ای با واقعیت تاریخی ندارد.^{۳۸} تمامی رهبران خارجی برای بازی دادن رییس جمهور تلاش می‌کنند – مثلاً ژوستن ترودو^{۳۹}، تریزا می^{۴۰}، و شینزو آبه^{۴۱} – اما میزان موفقیت با فردی مثل ترامپ همواره موقتی است.^{۴۲}

برای دست‌یابی به یک قرارداد، طبیعی است که کیم به ترامپ ترفند بزند، اما توانایی وی نیز در این زمینه مانند هر خارجی دیگری محدود است. درگیری واقعی و تعیین‌کننده بر سر این مسئله، به واقع، در واشنگتن رخ می‌دهد.^{۴۳} این نکته کلید درک صحنهء سیاسی است که در آن نشست ترامپ-کیم انجام پذیرفت.

³⁸ Michael J. Green, “Pyongyang Is Playing Washington and Seoul,” Foreign Policy, April 27, 2018.

³⁹ Justin Trudeau, نخست وزیر کانادا

⁴⁰ Theresa May, نخست وزیر پیشین بریتانیا

⁴¹ Shinzō Abe, نخست وزیر ژاپن

⁴² Tsuneo Akaha, “Abe’s Gamble on Trump Threatens to Backfire,” East Asia Forum, July 8, 2019.

⁴³ Jeffery Lewis, “The Real North Korea Summit Is Inside the Trump Administration,” Foreign Policy, February 26, 2019.

دیگر کشورهای آسیای شرقی

کشورهای گوناگون در منطقه آسیای شرقی و نزدیک به آن جملگی در این کشمکش میان ماهی‌گیر و آختاپوس ذی‌نفع هستند، اگرچه از یک-دیگر متفاوت بوده و از رویکردی همگن به این مسئله برخوردار نیستند. ژاپن، به ویژه در حکومت آبه، به شدت خواهان بالا نگه داشتن سطح تنش میان دو کشور است زیرا که میلیتاریزه کردن دوباره ژاپن را تسهیل نموده و در عین حال باعث انحراف توجه رأی دهنده‌گان ژاپنی به افتضاحات داخل کشور می‌شود.^{۴۴} از سوی دیگر، چین و روسیه به رغم تفاوت‌های بدیهی فی‌مابین، در این مورد اما از اشتراک نظر بسیار وسیعی برخوردارند. هر دو کشور با تهدید نظامی از سوی ایالات متحده رو-به-رو بوده، و به شدت تلاش می‌کنند که از جنگ با ایالات متحده پرهیز نموده و یا دست کم تا زمانی که ممکن باشد آن را به تعویق بیندازند. اما، به موازات انباشت ستیزه‌گری از سوی ایالات متحده/غرب – از قبیل راه اندازی روسیه-گیت^{۴۵}، سوءقصد به اسکریپال^{۴۶} در انگلستان و انگشت اتهام به سوی پوتین، نزاع با چین در دریای چین جنوبی،

⁴⁴ Tim Beal, "Abe Pulls It Off, but It Will End in Tears," Zoom in Korea, October 24, 2017.

⁴⁵ Russiagate

⁴⁶ Sergai Skripal افسر پیشین ارتش روسیه و جاسوس دوجانبه که به خدمت سرویس‌های اطلاعاتی بریتانیا در آمده بود به همراه دخترش یولیا (Yulia) در چهارم ماه مارس سال ۲۰۱۸ در شهر سالزبری انگلستان با استفاده از سم شیمیایی نووی‌چوک (Novichok) توسط افراد ناشناس مسموم شدند. اگرچه دستگاه اطلاعاتی بریتانیا بلافاصله روسیه را به دست داشتن در این جرم متهم نمود، اما این پرونده هنوز باز مانده است.

سامانه دفاع ضد-موشک‌های بالستیک^{۴۷}، جنگ بازرگانی، جنگ نیابتی داخلی در سوریه، رویارویی ایالات متحده و شرکاء با کمپانی چینی هاوای، و غیره – شرایط برای مداخلات چین و روسیه با ایالات متحده بر سر مسئله کره شمالی یا در موارد دیگر تضعیف گشته و باعث نزدیکی بیش از پیش این دو کشور به یک-دیگر شده است.^{۴۸}

با این وجود، مواضع این دو کشور بر سر کره ضد-و-نقیض بوده، علامتی که نشان دهنده ضعفشان در برابر ایالات متحده است. به جای آن که در شورای امنیت سازمان ملل در برابر تحریم‌های^{۴۹} ایالات متحده و متحدان‌اش بر علیه کره شمالی موضعی راسخ اتخاذ کنند، چین و روسیه با سازش‌کاری به چانه‌زنی پرداختند و به استراتژی ملایم‌تر ساختن قطع‌نامه‌ها پناه بردند به این امید که شاید بعداً بتوانند از اجرای مو-به-موی آن طفره بروند.^{۵۰} این استراتژی قبلاً نیز در مورد درگیری‌های دیگر، به ویژه در خاورمیانه، به کار گرفته شده بود، و دلیل آن هم بسیار روشن است. نه تنها [چین و روسیه] از ایالات متحده بسیار ضعیف‌تر هستند، بلکه در

⁴⁷ Terminal High Altitude Area Defence (THAAD)

⁴⁸ James Griffiths, "Chinese Defence Chief Says His Trip to Russia Is a Signal to the US," CNN, April 4, 2018.

⁴⁹ تحریم‌هایی که نقض آشکار منشور سازمان ملل و هنجارهای قوانین بین‌المللی است.

⁵⁰ Tim Beal, "The United Nations and the North Korean Missile and Nuclear Tests," *NZ Journal of Asian Studies* 9, no. 2 (2007). For a superb analysis of the role of the United States in establishing the United Nations and its strategic ambivalence to it, see Peter Gowan, "US : UN," *New Left Review* 24 (2003); Joby Warrick, "How Russia Quietly Undercuts Sanctions Intended to Stop North Korea's Nuclear Program," *Washington Post*, September 11, 2017.

عین حال ساختار شورای امنیت سازمان ملل متحد به شکلی است که در چارچوب آن ایالات متحده شکست-ناپذیر است. برای نمونه، دولت روسیه در چهاردهم آوریل ۲۰۱۸ قطع‌نامه‌ای را در محکومیت حملهء موشکی سه کشور ایالات متحده، فرانسه و بریتانیا به خاک سوریه را ارایه نموده بود که به آسانی شکست خورد، به رغم این که حملهء مزبور نقض آشکار قوانین بین‌المللی و منشور سازمان ملل متحد بوده است.^{۵۱} اما، واقعیت این است که هر گونه کنار آمدن و سازش‌کاری به ایالات متحده مشروعیت حقوقی و اخلاقی داده، و بدین ترتیب به حس مُحقّ بودن و برگزیده-گی‌اش نیرو بخشیده و تمایل‌اش به سرسختی و عدم نرمش در برابر دیگران را تقویت می‌کند. یکی از مهم‌ترین پیروزی‌های سیاست خارجی ایالات متحده در دست داشتن سگان شورای امنیت سازمان ملل متحد است زیرا که به مدد آن نه تنها تجاوزگری ایالات متحده بسط یافته بلکه از رهگذر شورای امنیت نیز سیمایی از مشروعیت به خود می‌گیرد. تحت چنین شرایطی است که تحریم‌های ایالات متحده به تحریم‌های سازمان ملل تغییر نام داده و کشورهای دیگر در گوشه-و-کنار جهان با به اجراء گذاشتن منویات ایالات متحده، یا به اکراه و یا به اشتیاق تمام، کرهء شمالی را به آن چنان حدی از گرسنگی می‌کشانند که تا به زانو درآید. نزدیک به چهل درصد مردم کرهء شمالی "با عدم امنیت غذایی و سوء تغذیه رو-به-رو بوده و از

⁵¹ "Security Council Rejects Russian Request to Condemn Airstrikes in Syria," UNSC, April 14, 2018.

دست‌رسی به خدمات اولیه محروم هستند.^{۵۲} این همه البته زیر نام سازمان ملل و به اصطلاح جامعهء بین‌المللی حاصل شده است.

⁵² Tapan Mishra, “2019 DPR Korea Needs and Priorities,” UN Resident Coordinator for DPR Korea, March 6, 2019.

کرهء جنوبی میان استقلال و وابستگی

کرهء جنوبی یک مورد بسیار ویژه است. این کشور در سال ۱۹۴۵ و به دست ایالات متحده به عنوان یک کشور وابسته از تکه-پاره-های جدا شده از امپراتوری ژاپن ایجاد شد تا از آن به عنوان سدّی برای حفاظت از ژاپن تحت انقیاد در برابر بیماری واگیرداری که از جانب اروآسیا روانه بود استفاده گردد. این کشور به مثابه محور اساسی استراتژی ایالات متحده در آسیای شرقی از موقعیت خویش به عنوان زیردست ایالات متحده فایده‌های زیادی، از جمله دریافت کمک‌های وسیع از ایالات متحده و دسترسی بدون مانع به بازار داخلی آن (باعث بسی تأسف برای ترامپ)، عایدش گردید.^{۵۳} اما این گونه بهره‌مندی از سوی دیگر می‌تواند به قید-و-بند بینجامد. به رغم رشد اجتماعی و اقتصادی چشم‌گیر، این کشور کماکان با استقلال واقعی فاصله زیادی دارد. مثلاً، کنترل ارتش کرهء جنوبی در زمان جنگ در دست ایالات متحده قرار خواهد داشت، اما، آیا کنترل ارتش در زمان غیرجنگی واقعاً چه اهمیتی می‌تواند داشته باشد؟^{۵۴} استقرار سامانهء دفاع ضد-موشک‌های بالستیک ایالات متحده در کرهء جنوبی که رادارهای اش پایگاه‌های پرتاب موشک‌های بالستیک قاره-پیمای چین را تحت نظر داشته اما در شرایط وقوع

⁵³ Philip Rucker, "Trump: 'We May Terminate' U.S.-South Korea Trade Agreement," *Washington Post*, April 28, 2017.

⁵⁴ Yu Yong-weon, "S. Halts Process of Returning Full Troop Control to S.Korea," *Chosun Ilbo*, September 18, 2017.

جنگ میان دو کره ره‌گیرهای این سامانهء دفاعی پوشش چندانی را بر علیه کرهء شمالی تأمین نمی‌کند، مثال بارزی است که نشان می‌دهد چگونه منافع کرهء جنوبی قربانی هدف‌های استراتژیک ایالات متحده شده است.⁵⁵ اما، در عین حال می‌توان به تاریخ کرهء جنوبی به عنوان یک مبارزهء جاری برای کسب استقلال نهایی از ایالات متحده نگریست که هم پیروزی‌ها و هم شکست‌هایی را در این مسیر تجربه نموده است. مون، بخشاً به طور فردی و بخشاً به طور عمومی، نمایش‌گر این چنین تناقضی میان فرمان‌برداری و سرکشی است.

مون به دو طریق در جست‌و-جوی راهی برای برون‌رفت از این تنگناست. پس از دعوتی که کیم از او به عمل آورد، وی با اندکی دودلی سرانجام به دعوت کیم برای نشست سران دو کشور پاسخ مثبت داد. اگرچه ملاقات این دو به خوبی انجام شد و ملاقات‌های بعدی نیز ادامه یافت، اما، دو کره در زیر سایهء سنگین ایالات متحده توانایی محدودی برای دستیابی به نتایج مثبت داشته که نشان می‌دهد که امید بیش از حد ناظرانی مانند دوید کانگ که باور داشتند که نشست سران دو کره "از هر ملاقاتی میان کیم و دانالد ترامپ رییس جمهور ایالات متحده نیز مهم‌تر خواهد بود" صرفاً یک خوش‌خیالی بود.⁵⁶ مون به دنبال آن است که بازی‌گر نقش میانجی

⁵⁵ Gregory Elich, "THAAD Comes to Korea. But at What Cost?," Counterpunch, August 16, 2016.

⁵⁶ David Kang, "The Moon-Kim Summit Is the Main Event," East Asia Forum, April 8, 2018.

میان واشنگتن و پیونگیانگ باشد، اما چنین داعیه‌ای به رغم فراوانی خواسته-اندیشی‌ها در کرهء جنوبی، علی‌الخصوص از سوی روزنامهء لیبرال هانکیوره^{۵۷}، به طرز فزاینده‌ای توخالی می‌نماید.

⁵⁷ “Blue House’s Potential Role of Mediator in NK-US Deadlock Is Significant,” Hankyoreh, March 19, 2019.

استعاره نژادپرستانه "شرقی‌ی شرورانه زیرک"

این که کیم، پدر و پدربزرگ وی در ایالات متحده با عناوینی مانند "شرورانه زیرک" توصیف شوند امری کاملاً رایج است. در واقع، این توصیف دقیقاً به همان منوالی به کار برده می‌شود که به اصطلاح "شرقی‌های نا-سراسر" غالباً در برابر غربی‌ها، که گویا همواره سراسر است و قابل اعتمادند، استفاده می‌شود. همان طور که بسیاری، از جمله بروس کامینگز، گفته‌اند، "تردست و رند از جمله صفت‌هایی هستند که به طور معمول برای یک‌سان سازی تمامی آسیایی‌ها به کار برده می‌شود."⁵⁸ البته این گونه توصیف‌ها انواع مختلفی داشته و ادبیات وسیعی با قدمتی صدها ساله در این زمینه وجود دارد.

هیئت مذاکره‌کننده کره شمالی در مقایسه با تیم مذاکره‌کننده ایالات متحده، مجرب‌تر، منضبط‌تر، و مصمم‌تر است. برای نمونه، کیم میونگ-گیل که از سوی کره شمالی سرپرستی هیئت مذاکره‌کننده را به عهده دارد، از اوایل دهه نود در تمامی مذاکرات با ایالات متحده شرکت داشته است. وی هم‌چنین در هیئت نماینده‌گی کره شمالی در سازمان ملل کار کرده و ساکن

⁵⁸ Bruce Cumings, "Fear and Loathing on the Pyongyang Trail: North Korea and the United States," *Asia-Pacific Journal: Japan Focus* 3, no. 12 (2005).

نیویورک است. در حالی که در تیم ایالات متحده کسی را با این اندازه تجربه نمی‌توان یافت. با این حال، در استراتژی [کرهء شمالی] به هیچ وجه تزویری شیطنت-آمیز نهفته نیست. نکته‌ای را که نباید نادیده گرفت این است که برای کشور کوچکی که می‌خواهد از خود در برابر بهیمهء ستیزه‌گری هم چون ایالات متحده دفاع کند گزینه-های چندانی وجود ندارد. تحلیل‌گران خارجی غالباً سعی می‌کنند که آن چه را که اساساً پاسخی منطقی به تجاوزگری امپریالیستی است با توسل به توجیحات بی‌سر-و-ته رد کنند. اما، پیونگیانگ چاره‌ای ندارد جز آن که از گزینه‌های محدود موجود به هر طریق ممکن به شکلی احسن به کار گیرد. نخست این که می‌تواند اطلاع‌رسانی را به سطح بهتری ارتقاء دهد. همان‌گونه که هارولد پینتر اشاره نموده، وقتی که پای تبلیغات در میان باشد "بدون هیچ‌گونه تردیدی ایالات متحده عرضه‌کنندهء بهترین نوع‌اش است."^{۵۹} اگرچه کرهء شمالی فاقد توان و امکانات لازم برای رویارویی هم‌وزن در این زمینه است، اما دلیلی هم ندارد که در وضعیت ناکارآی فعلی قرار داشته باشد. مثلاً، این کشور می‌تواند از منشور سازمان ملل به نحو بهتری استفاده نماید. ایالات متحده ممکن است که بتواند ملل متحد را به عنوان یک سازمان تحت فشار قرار داده و یا با رشوه خاموش نگاه دارد، اما قادر نیست که چنین کاری را با اسناد پایهء سازمان انجام دهد. اگرچه ممکن است که تخلف از این منشور امری متداول باشد، اما کاملاً آشکار است که کرهء شمالی وسیعاً متعهد

⁵⁹ Harold Pinter, "Art, Truth and Politics," Nation, December 7, 2005.

به اصول این منشور بوده و این ایالات متحده است که متناوباً ناقض آن است. این نکته‌ای است که باید با همکاری و هم‌صدایی با کشورهای که در شرایط مشابهی به سر می‌برند، مکرراً بر آن تأکید شود.⁶⁰

⁶⁰ “Venezuelan Foreign Minister Announces Group to Protect UN Charter’s Principles,” *Telesur*, February 14, 2019.

اتم-زدایی کردن: وبال-گردن کنفسیوسی

یکی از مشکلات عمده در استراتژی دیپلماتیک کرهء شمالی تمرکز آن بر مسئلهء اتم-زدایی کردن است، مشکلی که به باور من نمی‌توان آن را به بهانهء عدم توانایی و منابع توجیه نمود. واقعیت مشخص این است که کرهء شمالی به دنبال هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با ایالات متحده است. همان‌طور که این کشور مکرراً اعلام نموده، خواهان آن است که ایالات متحده سیاست‌های خصمانه‌اش را کنار نهاده، به جنگ اقتصادی و دیپلماتیک بر علیه این کشور خاتمه داده، دست از تهدیدهای نظامی برداشته، رابطهء متعارف دیپلماتیک و اقتصادی با جمهوری دموکراتیک خلق کره ایجاد نموده، و مشروعیت و حق حاکمیت ملی آن را مانند هر عضو دیگر ملل متحد به رسمیت بشناسد. پر واضح است که تمرکز بر اتم-زدایی کردن نه تنها به حل هیچ کدام از مواردی که در بالا برشمرده شد کمکی نمی‌کند، بلکه کاملاً برعکس باعث عدم توجه به آن‌ها می‌گردد.

کرهء شمالی تا بخواهد می‌تواند پیرامون "اتم-زدایی کردن شبه-جزیره کره" و این که شبه-جزیره کره باید به "سرزمین صلح و عاری از سلاح اتمی و تهدیدات آن تبدیل شده" و خلع سلاح هسته‌ای متقابل و جهانی و نظایر این‌ها سخن بگوید، اما واقعیت امر این است که به خاطر بلندگوهای تبلیغاتی عظیمی که در اختیار ایالات متحده است، اتم-زدایی کردن همواره به عنوان مستمسکی در

خدمت به اهداف ایالات متحده قرار خواهد گرفت.⁶¹ این که کرهء شمالی مکرراً اعلام کند که حاضر به خلع سلاح یک‌جانبه نیست از اهمیت چندانی برخوردار نیست، زیرا که از نظر بسیاری [در آن سوی میز مذاکره] جانِ کلام مذاکرات صرفاً در همین یک کلام خلاصه می‌شود.⁶²

طرح پیش‌نهادی کرهء شمالی برای اتم‌زدایی کردن شبه‌جزیره کره، دستِ کم در گفتمان عمومی، به طور سر-در-گم کننده‌ای مبهم است. آیا این طرح فقط سلاح‌های مستقر در خشکی را دربر می‌گیرد، یا این که سلاح‌های شناور را نیز شامل می‌شود؟ اگر پاسخ مثبت است، آن وقت این پرسش مطرح می‌شود که تا چه فاصله‌ای در آب‌ها را در نظر دارد؟ آیا چتر اتمی ایالات متحده را نیز شامل می‌شود؟⁶³ به علاوه، با در نظر گرفتن این واقعیت که در دنیایی که تسلیحات اتمی به سلاح‌های استراتژیک تبدیل شده‌اند که تا از مسافت‌هایی بسیار دور پرتاب شوند، و این که از دههء شصت به این سو، ایالات متحده قادر است که این چنین تسلیحاتی را از داخل مرزهای اش به سمت هدف‌های مورد نظرش شلیک کند، آن گاه تعیین چنین محدودهء جغرافیایی واقعاً چه اهمیتی می‌تواند

⁶¹ Kim Jong-un and Moon Jae-in, "Pyongyang Joint Declaration of September 2018," ROK Government, September 19, 2018; Nicholas L. Miller and Vipin Narang, "The Year of Living Dangerously with Nuclear Weapons," Foreign Affairs, January 11, 2019.

⁶² Jung E-gil, "Kim Jong-un Says He Has No Plans for Unilateral Denuclearization," Hankyoreh, September 11, 2018.

⁶³ Simon Denyer, "Confusion over North Korea's Definition of Denuclearization Clouds Talks," Washington Post, January 16, 2019.

داشته باشد؟ طرح اتم-زدایی کردن شبه‌جزیره کره دقیقاً دچار همان مغلطه‌ای است که طرح آسیای شمال شرقی به عنوان منطقه‌ای عاری از تسلیحات اتمی به آن دچار بود. اگر که ایالات متحده، عمده‌ترین قدرت اتمی جهان، به عنوان یکی از طرفین درگیر توانایی آن را دارد که هر گاه که بخواهد قادر است که هر نقطه‌ای مفروضی در درون این منطقه را از هر جایی در جهان مورد هدف قرار دهد، آن گاه ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای در گوشه-ای از جهان اساساً هیچ گونه حفاظتی ایجاد نمی‌کند.⁶⁴

هم چنین، پافشاری کره شمالی بر روی تسلیحات اتمی امری کاملاً نابجاست. واقعیت این است که اگر ایالات متحده بخواهد به کره شمالی حمله کند، این کار با استفاده از روش استاندارد روز - یعنی استفاده از نیروی هوایی به طور گسترده، سپس به کار گرفتن نیروهای زمینی محلی، و سرانجام ورود نیروهای ویژه برای از میان بردن افراد مهم و تصرف مناطق و اماکن کلیدی - صورت خواهد گرفت. تسلیحات اتمی که عمدتاً نقش بازدارنده را دارند در چنین موقعیتی استفاده نخواهد شد، و چنان چه در یک عملیات تجاوزی به کار گرفته شوند، تنها بر علیه کشورهای بزرگی، مانند روسیه و چین، خواهد بود که به آسانی قابل هضم و جذب نیستند.

⁶⁴ Morton Halperin, Peter Hayes, and Leon Sigal, "A Korean Nuclear Weapons-Free Zone Treaty and Nuclear Extended Deterrence: Options for Denuclearizing the Korean Peninsula," NAPSNet Special Reports, April 12, 2018.

علاوه بر آن، از سال ۱۹۴۵ به این سو تحولی در معادله تسلیحات اتمی صورت پذیرفته است. تسلیحات اتمی در آن زمان امتیاز ویژه-ای بود که در انحصار ثروتمندترین کشور جهان، یعنی ایالات متحده، قرار داشت. اما، از آن زمان تا کنون این تناسب به میزان زیادی تغییر یافته و کشورهای بالنسبه ضعیف‌تری نیز صاحب این امتیاز شده‌اند که به طور بالقوه آن‌ها را در برابر قدرت‌های بزرگ حفاظت می‌کند. پس بی‌دلیل نیست که ایالات متحده این گونه نگران تکثیر این گونه تسلیحات باشد.^{۶۵}

پذیرش اتم-زدایی کردن به عنوان مسئله محوری در مذاکرات از سوی کره شمالی، به تمامی دلایلی که برشمرده شد، امری کاملاً نابخردانه است.

پاسخ به این پرسش که این مسئله چگونه [از سوی دستگاه رهبری کره شمالی] پذیرفته شد را ظاهراً باید در احترام کنفوسیوسی بی-مورد به کیم ایل-سونگ، که گویا به ویژه نگران تهدیدات اتمی بوده، یافت. ایالات متحده تا اواخر سال‌های دهه هفتاد تعداد هفتصد فقره تسلیحات اتمی تاکتیکی را در کره جنوبی مستقر ساخته بود.^{۶۶} از آن گذشته، در سال‌های دهه هفتاد این کره جنوبی بود، نه کره شمالی، که به دنبال توسعه و دستیابی به تسلیحات

⁶⁵ Kenneth N. Waltz, "Why Iran Should Get the Bomb: Nuclear Balancing Would Mean Stability," *Foreign Affairs* 91, no. 4 (2012).
⁶⁶ Franz-Stefan Gady, "How the 'Deep State' Stopped a US President from Withdrawing US Troops from Korea," *Diplomat*, June 15, 2018.

هسته‌ای بود.⁶⁷ پر واضح است که به موازات تغییر شرایط موجود تدوین استراتژی نوین و متوازن با شرایط متحول ضروری می‌گردد، اما طرز تفکر کرهء شمالی کماکان در گذشته گیر کرده است.

⁶⁷ Peter Hayes and Moon Chung-in, "Park Chung Hee, the CIA & the Bomb," *Global Asia* 6, no. 3 (2011).

صحنه آرایبی سیاسی اجلاس‌یه سران

سیاست دیپلماسی تهاجمی کیم جونگ-اون به یک سری از نشست‌های میان سران کشورها انجامید. تعداد این نشست‌ها تا کنون به دوازده تا رسیده که از آن میان سه نشست با ترامپ، سه نشست با مون، پنج نشست با شی ژین‌پینگ، و یک نشست با ولادیمیر پوتین بوده است.⁶⁸ این نشست‌ها به ویژه به خاطر نادر بودن این چنین تماس‌هایی و هم چنین به واسطه سیرت نمایشی بودن‌شان توجه وسیع رسانه‌ها را به خود جلب نمود. رهبران کرهء شمالی پیش‌تر از این نیز با رهبران اتحاد شوروی/روسیه، چین، و به میزان کمتری کرهء جنوبی ملاقات کرده بودند. اما، نشست سنگاپور یک نشست تاریخی بود که تا به کنون سابقه نداشته است.

این گونه نشست‌ها در سرشت‌شان نمایشی بوده و اساساً جنبهء نمادین دارند. آن دسته از نشست‌هایی که در درون چرخهء امپراتوری انجام می‌شود، مثلاً میان ایالات متحده و کرهء جنوبی، عموماً از وزن چندانی برخوردار نیست اگرچه طرف ضعیف‌تر در این رابطه همواره سعی می‌کند که در مورد اهمیت این گونه نشست‌ها مبالغه نماید. اما، نشست با یک رهبر مستقل، و یا حتّاً

⁶⁸ For a chronology of summits and key events, as well as a bibliography to accompany this article, see Tim Beal, "The Angler and the Octopus: Supplementary Documents to Article Published in *Monthly Review*," available at <http://timbeal.net.nz> 25 the "Asian Geopolitics" section.

متخاصم، امری کاملاً متفاوت است. در حال حاضر ایالات متحده از هر کشور دیگری در جهان بسیار قدرتمندتر بوده و دارای سلطه جهانی است. از این رو، ملاقات رییس جمهور ایالات متحده با رهبران دیگر کشورها، حتا با رهبران کشورهای بزرگی هم چون اتحاد شوروی/روسیه و چین، همواره با مخالفت‌های داخلی مواجه بوده است. بالطبع، ملاقات [رییس جمهور ایالات متحده] با رهبر یک کشور کوچک و در عین حال نافرمان نظیر کرهء شمالی تا پیش از آمدن ترامپ قابل تصور هم نبود. استدلال مخالفین [این گونه نشست‌ها] این است که برگزاری نشستی [میان رییس جمهور ایالات متحده] و یک رهبر خارجی به آن رهبر مشروعیت می‌بخشد. بر پایه این استدلال، مخالفین مدعی هستند که چنین مشروعیتی نوعی موهبت است که تنها باید به [سران کشورهایی که] فرمان بردارند، یا اصطلاحی که آن‌ها به کار می‌برند، "به عضوی از جامعه بین-المللی" اعطا شده و بنا بر ادعای آن‌ها یک رژیم به اصطلاح یاغی شایستگی این چنین موهبتی را نمی‌تواند داشته باشد. وقتی که جان بولتن می‌گوید که "امضاء یک قرارداد صلح با کرهء شمالی به هیچ وجه امکان ندارد. همین که فرصت ملاقات با رییس جمهور ایالات متحده به آن‌ها داده شد برای سرشان هم زیادی است"⁶⁹ در واقع حرف دل بسیاری را زده است.

⁶⁹ John Bolton, "Interview: Trump-Kim Talks to be 'A Very Short Meeting' if Pyongyang Won't Discuss Denuclearization," Radio Free Asia, March 23, 2018.

نشست‌های دوجانبه نسبت به نشست‌های چندجانبه و یا حتی ملاقات‌های دوجانبه‌ای که در حاشیه نشست‌های بین‌المللی انجام می‌شوند دارای ارزش بیشتری هستند. به علاوه، محل ملاقات نیز دارای اهمیت بالایی است، زیرا که میزبان ارج بیشتری خواهد داشت.

واکنش نخبه‌گان قدرت به توافقی که در طی نشست به دست آمده و یا این که فرض گرفته می‌شود که به دست آمده باشد، و هم چنین واکنش‌ها به نفس خود نشست است که باید به عنوان سنجه‌ای برای اهمیت آن نشست به کار گرفته شود. این نکته به ویژه در مورد نشست ترامپ-کیم که از سوی نخبه‌گان قدرت به شدت نفی شده و پوشش رسانه‌ها و هم چنین آگاهی عمومی را زیر نفوذ خود در آورده بود صدق می‌کند.

سردرگی و کودن بودن خود ترامپ مشکلی را که برای نشان دادن اهمیت این نشست‌ها وجود دارد دو چندان می‌سازد. هنگامی که کیم با اشاره به نامه‌ای از ترامپ آن را "عالی" می‌نامد و آن گونه که گزارش شده "از توان قضاوت سیاسی و شهامت فوق‌العاده رییس جمهور ترامپ سپاس‌گزاری می‌کند" کاملاً روشن است که به رغم آب‌و-تاب موجود در ترجمه، هدف وی آن است که ترامپ را، علی-رغم مخالفت نخبه‌گان قدرت در واشنگتن، به ادامه گفت‌و-گو تشویق نماید. آن بخش از سخنان ترامپ که از پیش تهیه نشده‌اند و هم چنین توییت‌های وی، دست کم در ظاهر، جهالت بُهت‌برانگیز

وی از مسایل را به نمایش می‌گذارند. وی به کودک پنج ساله‌ای می‌ماند که در کنفرانسی متشکل از ژنرال‌ها و تولیدکننده‌گان سلاح گشت زده، از زرق و برق اسباب بازی‌ها خیره شده و آن‌ها را تحسین می‌کند، اما از صحبت بزرگ‌ترها چیزی سر در نمی‌آورد.

پس از آن که کرهء شمالی دست به آزمایش برخی از موشک‌های کوتاه-بُرد زده و بلافاصله پس از آن که وزارت دادگستری ایالات متحده دومین کشتی بزرگ کرهء شمالی را هنگامی که در حال تردد به سوی اندونزی بود، حال با اجازهء ترامپ و یا بدون اجازهء وی، توقیف نمود، واشنگتن پُست گزارشی را پیرامون اظهار نظرهای ترامپ در مورد کیم در ماه مه ۲۰۱۹ منتشر ساخت:

اما ترامپ دیکتاتور کرهء شمالی را به عنوان رهبری تصویر نمود که باور دارد که کشورش از "پتانسیل عظیم اقتصادی" برخوردار بوده، ولی در عین حال به این نکته نیز آگاه است که تا مادامی که به دنبال رویاهای اتی خویش باشد قادر به توسعهء این استعدادها نخواهد بود.

ترامپ گفت که "او می‌دونه که با [تسلیمات] هسته‌ای، که هیچ وقت هم نمی‌تونه به دست بیاره، فقط چیزهای بد براش پیش می‌آد. او این‌ها رو می‌فهمه. خیلی آدم با هوشیه؛ این جور چیزها رو درک می‌کنه."

رییس جمهور - که پیش از ریاست جمهوری بساز-
بفروش بود - در این جا نیز به فرصت‌هایی که ممکن
است در انتظار کیم باشد از همان دریچه بساز-
بفروشی نگاه می‌کند. رییس جمهور گفت که کرهء شمالی
"مابین روسیه و چین از یه طرف، و کرهء جنوبی از طرف
دیگه قرار گرفته. تمام این کشور املاک ساحلیه. همان
طور که ما تو کار بساز-بفروشی می‌گفتیم، محلش
بسیار دیشه."^{۷۰}

بدی "محل‌های دیش"، همان طور که پیش از این نیز پدر ترامپ
نشان داده بود، این است که غارت‌گران را به سوی خود جلب می-
کند. موقعیت جغرافیایی کره دلیل اصلی برای جلب توجه
امپریالیست‌ها، خواه مغول‌ها، ژاپنی‌ها، و یا آمریکایی‌ها، در طول
سالیان بوده است. به این خاطر است که خلع سلاح یک جانبه راه
حل مناسبی برای مسئله کرهء شمالی نیست.^{۷۱} اما، این طور به
نظر می‌رسد که وراء کلیشه‌های متداول بسیاری از بزرگ‌ترها نیز،
مثلاً، اگر واشنگتن پُست را به عنوان نمایندهء "بزرگ‌ترها" فرض
کنیم، درک چندان بیشتری [از خردسالان] ندارند.

نشست سنگاپور موفق شد که برای نخستین بار رهبران ایالات
متحده و کرهء شمالی را در یک جا گرد آورد. بیانیهء مشترکی که در

⁷⁰ Ashley Parker and Simon Denyer, "Still Angling for a Deal, Trump Backs Kim Jong Un over Biden, Bolton and Japan," Washington Post, May 27, 2019.

⁷¹ Beal, "Korea and Imperialism."

پایان این نشست منتشر گردید پتانسیل آن را داشت که تنش در آسیای شرقی را به شکل مسالمت آمیزی خنثی نماید.

نشست سنگاپور در این زمینه آن چنان موفق بوده که موجب گردید که اندام‌های گوناگون آختاپوس نارضایتی خویش را علامت داده و بلافاصله سیلابی از مخالفت به راه افتد. مقامات فعلی و سابق ارتش، دگه‌های امنیتی به همراه جامعه‌ی اطلاعاتی، و اغلب پژوهش‌کننده‌های رسمی همه با هم به راه افتاده و در یک کُر دسته-جمعی سرنوشت شومی را در صورت ایجاد صلح پیش‌بینی نمودند.^{۷۲} آژانس‌های مختلف دولتی، و مُقدّم بر همه خزانه‌داری و وزارت دادگستری آن چه را که معمولاً در این گونه شرایط انجام می‌دهند بار دیگر به نحو احسن انجام دادند – یعنی دست به اقداماتی زدند که مانع هر گونه روند احتمالی صلح بشوند.^{۷۳} محافظه‌کارها در کرهء جنوبی نیز به ویژه نگران آن بودند که چشم‌انداز آشتی میان ایالات متحده و پیونگیانگ به پیش‌برد سیاست تشنج‌زدایی مون

⁷² Yonhap, "Mattis: N. Korea Is Most Urgent Threat to US," Korea Herald, December 4, 2018; Lim Min-hyuk, "S. Ambassador Urges Caution in Ending Korean War," Chosun Ilbo, August 3, 2018; Christopher Hill, "The U.S. Needs a New North Korea Strategy," Foreign Affairs, September 5, 2018; Alexander Smith, "Experts Dismiss North Korea's Latest Concession to U.S.," NBC, October 8, 2018; Hayley Miller, "Leon Panetta Says Trump's 'Failed' North Korea Summit Was 'Doomed' from the Start," Huffington Post, September 2, 2018.

⁷³ Jacqueline Thomsen, "DOJ Charges North Korean National in Sony, WannaCry Attacks," Hill, September 6, 2018; "US Imposes Sanctions on Three Top North Korean Officials," Guardian, December 10, 2018.

کمک نموده و در نهایت به ایجاد رژیم صلح در شبه جزیره انجامیده و باعث تضعیف قدرت آن‌ها گردد.^{۷۴}

در این میان رسانه‌های جریان مسلط، در ایالات متحده به طور اخص و در غرب به طور اعم، نقش‌شان را به خوبی به عنوان مشوق و ناشر روند ضد صلح بازی کردند. با توجه به این که بیانیه‌ه نشست سنگاپور عمداً مبهم نوشته شده و کرهء شمالی هم هیچ گونه تعهد مشخصی را نپذیرفته بود، شاید مهم‌ترین و فاحش‌ترین ترفندی که رسانه‌ها به کار گرفتند نشر این اتهام بود که گویا کرهء شمالی به تعهداتش پای بند نبوده است. طبیعتاً، در سراسر این پوشش رسانه‌ای هیچ سخنی در مورد کوتاهی ایالات متحده در گسترش روند صلح گفته نشده، و به تلاش‌های بی‌وقفه‌اش برای تضعیف و منع تشنج‌زدایی میان دو کره از طریق کنترل به اصطلاح فرماندهی ملل متحد (که بر خلاف اسم غلط‌اندازش ربطی به سازمان ملل ندارد) نیز هیچ اشاره‌ای نگردید.^{۷۵} البته، گاه‌گاهی نیز شکافی در این پردهء ضخیم تبلیغاتی رخنه می‌کند. برای نمونه، ویل ریپلی گزارش گر سی.ان.ان اتهام تقلب به کرهء شمالی را به کلی در هم شکسته و سعی نمود که تا اندکی به واقعیت ماجرا پردازد. وی در تفسیر خود می‌گوید که درخواست ایالات متحده مبنی بر "اتم-زدایی کامل" از همان بدو امر درخواست غیرقابل قبول "برای

⁷⁴ "Seoul, Washington Need to Stop Talking up N. Korea Deal," Chosun Ilbo, July 9, 2018.

⁷⁵ Kim Myong-chol and Pak Chol-gu, "DPRK Perspectives on Ending the Korean Armistice," NAPSnet Policy Forum Online, May 7, 1997.

کشوری است که عمیقاً نسبت به بقیه دنیا مظنون بوده و هرگز حاضر نخواهد بود که به خاطر وعده سرِ خرمنِ دست‌آوردهای اقتصادی، خود را به طور استراتژیک بدون دفاع رها سازد.^{۷۶} اما، در این برهوت رسانه‌های جریان مسلط، ربیلی تک‌صدایی بیش نبود.

برای تخریب کامل مذاکرات صلحی که به شیوه ترامپ آغاز شده بود، کارزاری به راه افتاده بود که بالطبع می‌باید که در نشست هانوی به اوج خود برسد. انتظار عمومی و منطقی این بود که نشست هانوی نیز با پیروی از قالب نشست سنگاپور با چند عدد عکس یادگاری و صدور بیانیه مشترک با وعده‌های سرِ خرمن به انجام برسد. از این منظر، نشست هانوی در واقع به منزله آرامش پیش از توفان بوده و نبرد واقعی در واشنگتن به وقوع خواهد پیوست.^{۷۷} از این رو، تلاش فزاینده برای از ریل خارج کردن روند مذاکرات جای تعجب نداشت. اما، تعجب در آن بود که این نبرد به جای واشنگتن در هانوی به وقوع پیوست. نظر غالب این است که خراب‌کاری به عمد توسط جان بولتن، و احتمالاً با کمک مایک پمپئو طراحی شده بود. به قول یکی از تحلیل‌گران ژاپنی:

به نظر می‌رسد که هنگام برنامه‌ریزی ملاقات ترامپ با کیم جونگ-اون رهبر کره شمالی، بولتن، احتمالاً با

⁷⁶ Will Ripley, "When It Comes to North Korea, Who's Really Being Deceptive?," CNN, November 14, 2018.

⁷⁷ Lewis, "The Real North Korea Summit Is Inside the Trump Administration."

کمک مایک پمپئو وزیر خارجه، توانست که ترامپ را متقاعد سازد که در صورتی که کیم حاضر به پذیرش به اصطلاح معامله بزرگ پیش‌نهادی، مشابه موافقت-نامه اتعی با لیبی در سال ۲۰۰۴، نباشد، وی محل ملاقات را بلافاصله ترک نماید.^{۷۸}

این که ترامپ شعور درک مسایل، به ویژه درک این که چه چیزی می‌تواند مورد قبول کره‌ای‌ها باشد، را کلاً فاقد بوده، و در عین حال این که به راحتی می‌توان او را بازیچه دست قرار داد امری کاملاً روشن است. اما، این که وی چگونه حاضر شد که این گونه در انظار عمومی به وی بیندازند جزء اسرار است. شاید که به گمان او [بلاهی که وی در گرماگرم نشست هانوی مرتکب گردید] ویژه‌گی غیرقابل پیش‌بینی بودن‌اش را برجسته ساخته و، دست کم از نظر خود وی، می‌تواند به عنوان تأکیدی بوده باشد بر به اصطلاح ذکاوت وی در انجام معامله و این که او می‌تواند معامله امروز را به ساده‌گی به هم بزند با این یقین که روز بعد معامله بهتری به دست خواهد آورد.

نشست ناشیانه هانوی به بن‌بست انجامید. پس از پایین آمدن پرده نمایش در هانوی، این گونه به نظر رسید که دیوان‌سالاری به پیروزی دست یافته، و این که اُختاپوس از خطر افتادن به دام

⁷⁸ Kuni Miyake, "Is John Bolton Our Last Hope?", Japan Times, July 8, 2019.

تنش‌زدایی در کره بار دیگر نجات پیدا کرده، و از قِبل روابط به طور فزاینده‌ای وخامت‌بار با چین، ایران، ونزوئلا، و روسیه جانی دوباره گرفته باشد.

جرقه‌های امید از زیر آوارهای هانوی

ترامپ برای بازارگرمی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ نیازمند چیزی است که بتواند آن را به عنوان دست‌آورد سیاست خارجی خودش عرضه کند. به هیچ وجه دور از انتظار نبود که رویارویی با چین تبعات ناخوشایند متعددی را به دنبال داشته باشد. تلاش [حکومت ترامپ] برای انجام کودتا در ونزویلا شکست خورده است. توپ-و-تشرهای حکومت ترامپ بر علیه ایران فعلاً به خوبی پیش می‌رود، اما، وی به درستی نگران درگیر شدن در یک جنگ زمینی دیگر در خاورمیانه، آن هم با دشمنی به مراتب دشوارتر از عراق یا افغانستان است. هنگامی که او را برای یک حمله موشکی به ایران تقریباً آماده کرده بودند، در لحظه آخر تردید به خرج داده و پا پس کشید. آن وقت بود که نسبت به بولتن و علاقه مفراط او به جنگ دچار تردید شد.^{۷۹}

کیم گام‌های متعددی را برای بیرون آمدن از این وضعیت برداشته، و تمام تلاش‌اش را به خرج داد تا ایالات متحده را به سمت مذاکراتی هدفمند سوق دهد. کره شمالی، اما، با توجه به این احتمال ممکن که تمامی تلاش‌ها به شکست انجامیده و اُختاپوس، به جای تن دادن به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، خود را از توری که برای صلح گسترده شده رها ساخته و تهاجم را از سر گیرد، به تمامی اقدامات‌اش جهت آماده‌گی ادامه داد. کیم

⁷⁹ Peter Baker and Maggie Haberman, "Trump Undercuts Bolton on North Korea and Iran," New York Times, May 28, 2019.

در سیزدهم آوریل ۲۰۱۹ در طی یک بحث عمده سیاست‌گذاری در برابر مجمع عالی خلق، از جمله گفت که:

در نشست دوم میان جمهوری دموکراتیک خلق کره و ایالات متحده، ما تصمیم خویش را مبنی بر اتخاذ معیارهای سنجیده و قابل قبول جهت تعبیه مراحل و راه‌های لازم برای پیاده کردن مفاد بیانیه مشترکی که پس از نشست ۱۲ ژوئن صادر شده بود اعلام نمودیم و متقابلاً از ایالات متحده نیز انتظار پاسخی فراخور در این زمینه را داشتیم.

متأسفانه، اما، ایالات متحده هنگام ورود به مذاکرات از پیش مصمم بود که به هر شکل ممکن کارنابردی‌ترین راه‌های ممکن را بجوید ...

به هر حال، آن گونه که رییس جمهور ترامپ مرتباً می‌گوید، ارتباط شخصی بین من و او هم چون روابط دو کشور خصمانه نبوده و ما کماکان روابط حسنه بین خود را حفظ می‌کنیم تا بدین طریق بتوانیم به یک-دیگر نامه نوشته و بعضاً، چنان چه خواسته باشیم، جویای حال شویم.

چنان چه ایالات متحده موضعی درستی اتخاذ نموده و با روش تحلیلی معینی که مورد قبول هر دو طرف باشد برای نشست سوم پا پیش نهد، ما نیز برای یک مذاکره دیگر آماده خواهیم بود.

اما، در حال حاضر پرسشی که برای من مطرح هست این است که آیا صرفِ خواستِ کاستن از تحریم‌ها کافی است که ما را کماکان به نشست با ایالات متحده ملزم سازد.

به هر حال، فعلاً چاره‌ای نیست جز این که تا پایان امسال با صبر و-حوصله در انتظار بمانیم شاید که ایالات متحده بخواهد که به تصمیمی متهورانه دست بزند، اما، فکر نمی‌کنم که دیگر چنان فرصت مناسبی نظیر نشست قبلی به دست بیاید.

تنها زمانی ... که مفاد قراردادی که به نفع هر دو طرف نوشته شده باشد و مورد رضایت طرفین قرار گرفته باشد، آن گاه من قرارداد را بدون چون و-چرا امضاء خواهم کرد.^{۸۰}

در حالی که وی تاریخ ۳۱ دسامبر [۲۰۱۹] را به عنوان اولتیماتوم تعیین می‌کند، اما مشخص نیست که چنان چه ایالات متحده در این فاصله با حسن نیت به سر میز مذاکره باز نگردد و به سازشی که مورد قبول طرفین باشد تن ندهد، آن گاه جمهوری دموکراتیک خلق کره به عنوان پاسخ چه معیارهایی را برخواهد گزید. وی صرفاً به این هشدار بسنده می‌کند که "راه دیگری" را در پیش خواهد گرفت.^{۸۱}

⁸⁰ Kim Jong-un, "Supreme Leader Kim Jong Un Makes Policy Speech at First Session of 14th SPA," Rodong Sinmun, April 13, 2019.

⁸¹ Lee Je-hun, "Kim Jong-un Sets Timeline for Third Summit with US," Hankyoreh, April 15, 2019.

وی در عین حال هشدار می‌دهد که کم کردن از تحریم‌ها اگر چه امر مطلوبی است اما مسئله اساسی نیست. همان گونه که در اعلامیه‌ای که متعاقباً از سوی وزارت خارجه صادر شد آمده، سیاست خصمانه [واشنگتن] "مسبب اصلی در سوق دادن [کره شمالی] به سمت یک کشور اتنی بوده است."^{۸۲}

در اوایل ماه مه [۲۰۱۹]، پس از آن که دور اول مانور نظامی مشترک ایالات متحده-جمهوری کره تحت عنوان اتحاد آغاز گردید، کره شمالی دست به آزمایش موشک‌های بالستیک با بُرد کوتاه زد. اگرچه این آزمایش‌ها تعلیق موقت در آزمایش موشک‌های دوربُرد را که کره شمالی خود به طور یک-جانبه پذیرفته بود نقض نمی‌کرد، اما به واقع خطاری بود که تداوم این تعلیق منوط به حرکت ایالات متحده به سمت صلح است.^{۸۳}

حال اگر این اقدام را به عنوان نوعی تنبیه در نظر بگیریم، آن گاه باید گفت که حفظ و نگه‌داری رابطه دوستانه با ترامپ نقش مشوق را دارد. این

همان گونه که نویسنده مقاله اشاره کرده، کره شمالی راه‌کارهای مشخصی را در این مورد مطرح نساخته است. به علاوه، بی‌نیاز از گفتن است که تاریخ مقرر، یعنی ۳۱ دسامبر ۲۰۱۹ را نیز پشت سر نهاده‌ایم. ایالات متحده نه تنها تا آن تاریخ، بلکه تا کنون نیز هیچ اقدامی در مسیر حل مسئله کره بر نداشته است. نکته‌ای را که مایل‌ام در این جا بدان اشاره کنم این است که به نظر من نویسنده مقاله بیش از اندازه برای ترامپ اعتبار قابل بوده و به نظر می‌رسد که او را به عنوان کسی می‌بیند که واقعاً خواهان امضاء قرارداد صلح با کره شمالی بوده، و این فقط اطرافیان ناباب وی، نظیر جان بولتن، هستند که مانع از انجام آن می‌گردند. به نظر من این چنین دیدگاهی ناپخته و به دور از واقعیت است. به هر حال، زمان زیادی به انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحده باقی نمانده است و قطعاً انتخاب دوباره ترامپ می‌تواند نتایج پیش‌بینی ناشدنی را در پی داشته باشد. (م)

⁸² "S. Secretary of State Slammed," Ministry of Foreign Affairs DPRK, April 18, 2019.

⁸³ Ankit Panda and Vipin Narang, "Why North Korea Is Testing Missiles Again: Is a Much Larger Escalation on the Horizon?" Foreign Affairs, May 16, 2019.

امر به توسط نامه‌نگاری انجام شده است. ابتدا ترامپ در یازدهم ژوئن ۲۰۱۹ نامه‌ای را از کیم دریافت نمود که خود وی آن را "نامه زیبای" نامیده بود. پس از آن کیم نیز "یک نامه عالی" از ترامپ دریافت نمود که حاوی "پیش‌نهادهای جالبی" بود. هیچ کدام از دو طرف به مفاد این نامه‌ها اشاره‌ای نکرده‌اند، اما، کیم از رییس جمهور ایالات متحده به خاطر "قوه قضایات سیاسی و شهامت فوق‌العاده‌اش" تمجید نمود.^{۸۴} دلیل این خوش-خلقی غیرمترقبه و تعجب برانگیز میان دو نفری که تا همین اواخر "موشک‌چی" و "پیرمرد خرفت" بودند مشخص نیست. از نقطه نظر طرف کره‌ای، شاید به این خاطر باشد که اساساً واجد سودمندی است که تمامی رهبران خارجی سعی بر حفظ رابطه‌ی حسنه با شخص رییس جمهور ایالات متحده، فارغ از نظرات شخصی خویش، داشته باشند. از نظر ترامپ، اما، احتمالاً این قضیه بیش از آن که سیاسی باشد جنبه‌ی روانی داشته، و منعکس‌کننده احساس ضعف وی است.^{۸۵} حال که بهترین دوست تازه ترامپ به نخست وزیر بریتانیا^{۸۶} دست یافته، شاید دیگر برای وی رابطه با کیم از اهمیت چندانی برخوردار نباشد.^{۸۷} همان طور که سرگئی لاوروف نیز اشاره نموده، روابط شخصی البته که دارای اهمیت

⁸⁴ Simon Denyer, "North Korea's Kim Receives 'Excellent Letter' from Trump, State Media Says," Washington Post, June 23, 2019; Lee Je-hun, "The Resumption of Trump and Kim's Correspondence Diplomacy," Hankyoreh, June 24, 2019.

⁸⁵ Isabel Oakeshott, "Britain's Man in the US Says Trump Is 'Inept': Leaked Secret Cables from Ambassador Say the President Is 'Uniquely Dysfunctional and His Career Could End in Disgrace,'" Mail on Sunday, July 7, 2019.

^{۸۶} ترامپ خود از بوریس جانسن به عنوان "ترامپ بریتانیا" نام می‌برد و البته برای بوریس جانسن ستایشی بالاتر از این وجود ندارد.

⁸⁷ David Smith, "Trump Hails 'Good Man' Boris Johnson and Says of UK: 'They Like Me Over There,'" Guardian, July 23, 2019.

است اما در تحلیل نهایی روابط شخصی تابعی از الزامات سیاسی است.^{۸۸} معاون اول وزارت خارجهء کرهء شمالی رابطهء ترامپ-کیم را "به شکل اسرار آمیزی شگفت آور" می‌نامد.^{۸۹} در اسرار آمیز بودن این رابطه هیچ تردیدی نیست. اما، این که این رابطه با توجه به نابسامانی فکری ترامپ از یک سو و از سوی دیگر نیروی رانشی زیربنایی سیاست‌های ایالات متحده، تا کی بتواند دوام بیاورد مسئلهء کاملاً دیگری است.

هم‌زمان، کیم به تلاش‌های اش برای بهبود رابطه با روسیه و چین ادامه داده و دست کم در صحنهء سیاسی و به لحاظ نمادین توانست به موفقیت‌های قابل ملاحظه‌ای دست یابد. اگرچه جنبه‌های علنی این روابط دارای اهمیت است، اما واقعیت این است که تعیین تأثیرات درازمدت آن بسیار دشوار بوده و توافقات، و یا مهم‌تر از آن عدم توافق-هایی که در بحث‌های غیرعلنی حاصل شده باشد در معرض دید ما قرار نداشته و تنها می‌توان در موردشان به گمانه‌زنی پرداخت. مثلاً، اجلاس دو کشور روسیه و کرهء شمالی که مدت‌ها در انتظارش بودیم سرانجام در ولادی‌وستوک^{۹۰} از ۲۴ تا ۲۶ آوریل با شرکت کیم و پوتین برگزار گردید. یکی از نتایج این اجلاس گفت-و-گو پیرامون "تضمین امنیت بین‌المللی" بود که

⁸⁸ "Sergey Lavrov's Interview with the Newspaper Argumenty i Fakty," Saker, July 17, 2019.

⁸⁹ Simon Denyer and Carol Morello, "North Korea Threatens to Suspend Denuclearization Talks with the United States," Washington Post, March 15, 2019.

⁹⁰ Vladivostok

روسیه را به عنوان یکی از ضامن‌های آن می‌شناسد.^{۹۱} این نشست به واقع اخطاریه‌ای بود به ایالات متحده مبنی بر این که امنیت جمهوری دموکراتیک خلق کره مسئله‌ای کلیدی است که حفظ آن برای روسیه، و بالطبع چین، از اهمیت حیاتی برخوردار است. متأسفانه، ایالات متحده گرایش شدیدی به نشنیدن این گونه اندرزها داشته و به طریق اولی نسبت به آنها بی‌اعتناست. اما تضمین‌های امنیتی، مناطق عاری از تسلیحات اتمی، و پیمان‌نامه‌های صلح، همگی در نهایت چیزی جز ورقه‌های کاغذ نبوده که اعتبار آن‌ها به قدرت سیاسی و اراده درونی مشروط است – و "صرف [درج آن‌ها بر روی] یک تکه کاغذ [به خودی خود] به عملی شدن آن‌ها نخواهد انجامید."^{۹۲} تضمین امنیتی ایالات متحده به کشورهایی مانند ژاپن و کره جنوبی به اعتبار این که از هر رقیب احتمالی بسا قوی‌تر بوده و معمولاً نیز هیچ فرصتی را برای ورود به جنگ از دست نمی‌دهد، منطقاً قابل اتکاء است. اما در آن سو، نه چین و نه روسیه، هیچ کدام در چنین موضعی قرار ندارند. از این رو اعتبار تضمین‌هایی که این دو کشور می‌دهند بسته به این است که اقدام ایالات متحده، به طور مثال بر علیه کره شمالی، تا چه اندازه [مستقیماً منافع] آن‌ها را مورد تهدید قرار داده باشد. اما، می‌توان حدس زد که در نشست ولادی‌وستوک، مسئله ایالات متحده و نحوه دور زدن تحریم‌های تحمیلی شورای امنیت به سردمداری

⁹¹ Amie Ferris-Rotman and Simon Denyer, "Putin: Kim Jong Un Needs International Security Guarantees to Give Up Nuclear Arsenal," Washington Post, April 25, 2019.

⁹² Gregory Elich, "How Real Is the Trump Administration's New Flexibility with North Korea?," Counterpunch, July 12, 2019.

ایالات متحده، به ویژه در رابطه با کارگران مهاجر کره‌ای به روسیه، نیز مورد بحث قرار گرفته باشد.^{۹۳}

سفر شی به پیونگ‌یانگ در روزهای ۲۰ و ۲۱ ژوئن رویداد مهم دیگری برای کیم بود. این رویداد را در عین حال می‌توان نوعی بی‌اعتنایی به کره جنوبی دانست زیرا که این کشور مدت‌ها بود که در انتظار چنین ملاقاتی با رهبر چین بود، اما چینی‌ها بدین ترتیب آن را به تعویق انداختند. این ملاقات از نظر نمادین برای کره شمالی حائز اهمیت بسیار بوده و در داخل کشور به بالا رفتن پرستیژ کیم کمک نموده، در حالی که هم‌زمان بر ایالات متحده برای پیش‌برد مذاکرات فشار وارد می‌سازد. ظاهراً، دو طرف در گفت‌و-گوهای غیرعلنی در مورد چگونگی برخورد با مشکل ایالات متحده نیز بحث نمودند، مشکلی که برای چینی‌ها پس از آن که کمپانی‌های از سوی ایالات متحده هدف قرار گرفته و در ادامه جنگ اقتصادی ترامپ بسیار دشوارتر شده است. این نشست یک بار دیگر گوش‌زد نمود که سیاست ایالات متحده پیرامون کره باید در متن حفظ هژمونی بر علیه چین تحلیل شود.^{۹۴}

رابطه شمال و جنوب اما در وضعیت تحرک معلق باقی مانده است. مون به طرق مختلف به عینه نشان داد که توان مقاومت در برابر خواسته‌های

⁹³ Andrew Salmon, "Kim in Russian Far East for Putin Pow-Wow," Asia Times, April 24, 2019.

⁹⁴ Ellen Nakashima, Gerry Shih, and John Hudson, "Leaked Documents Reveal Huawei's Secret Operations to Build North Korea's Wireless Network," Washington Post, July 22, 2019.

ایالات متحده را نداشته و قادر به پیاده کردن مفاد اعلامیه پان‌مون‌جُم نیست. تداوم مانورهای نظامی مشترک با ایالات متحده، استقرار جنگنده‌های F-35، شکست وی در بازگشایی منطقه مشترک صنعتی کی‌سانگ، و تصمیم به ساختن ناو هواپیمابر – سامانه تسلیحات تهاجمی به تمامی معنا – جملگی به وخیم‌تر شدن روابط بین دو طرف کمک نمود.^{۹۵} اگرچه رسماً بین دو کشور گسست ایجاد نشده، اما پیونگیانگ با درخواست عدم حضور سئول در مذاکرات با واشنگتن سعی نمود که نارضایتی‌اش را از روند اوضاع نشان دهد. پیونگیانگ بر این باور است که سئول به دلیل فرمان‌برداری از ایالات متحده نمی‌تواند نقش میانجی را بازی کرده و آشکارا اعلام نمودند که "بهتر آن است که مقامات کره جنوبی نگران مسایل داخلی خودشان باشند."^{۹۶}

یکی از واهمه‌های دایمی کره جنوبی این است که مبادا در سیاست آسیایی ایالات متحده کنار گذاشته شود، و دقیقاً به این دلیل است که مون شدیداً مشتاق بود که میان ترامپ و کیم نقش میانجی را ایفاء نماید. اما، کره جنوبی به دلیل عدم استقلال‌اش از این روند کنار زده شد. مون یک میانجی صادق نبود که از سوی دو طرف درگیر در مذاکرات محترم شمرده شود، بلکه وی صرفاً یک پیام‌رسان بود که از سوی هر دو طرف مورد

⁹⁵ Yu Yong-weon, "Korea Threatens Seoul Over Purchase of Stealth Fighters," Chosun Ilbo, July 12, 2019; Yi Whan-woo, "North Korea Criticizes Seoul over Military Drills with US," Korea Times, July 16, 2019; Yu Yong-weon, "Korea to Build Light Aircraft Carrier," Chosun Ilbo, July 23, 2019.

⁹⁶ Kim Hyung-jin, "North Korea Urges South to Stop Mediating between North, US," AP, June 27, 2019.

تحقیق قرار می‌گرفت. در حال حاضر، مهم‌ترین مسئله سیاسی که مون با آن مواجه است اختلاف نظر با ژاپن بر سر مسئله پرداخت غرامت است. کره‌ای‌ها بر این نظرند که در دوره‌ای که کشورشان مسعمره ژاپن بود، ژاپنی‌ها با بهره‌بری از کار اجباری رایگان منافع اقتصادی کلانی را به دست آورده بودند که اکنون موظف‌اند که به ازاء آن غرامت بپردازند [و به این خاطر برای تحت فشار قرار دادن ژاپن، کره‌ای‌ها دست به تحریم کالاهای ژاپنی زدند]. این مسئله به نوبه خود موجب شد که آبه [نخست وزیر ژاپن] با تحمیل کنترل صادراتی بر قطعاتی که برای صنعت الکترونیک کره جنوبی حیاتی است دست به تلافی بزند.⁹⁷ کره جنوبی به خوبی بر این امر واقف است که اگر ایالات متحده مجبور به انتخاب میان دو کشور وابسته به خود در آسیای شمال-شرقی شود، همواره ژاپن را ترجیح خواهد داد.⁹⁸ این که آیا مون تحت این مشقّات سر خم نموده و یا این که آبدیده شده تا به جای صرفاً چاپلوسی کردن برای ترامپ نقش مستقل‌تری را به عهده بگیرد هنوز مشخص نیست.

در حالی که همه تحولات جاری در رابطه با روسیه، چین، و کره جنوبی، و هم چنین پی‌گیری و مهارت کیم در قلاب انداختن، جملگی دارای اهمیت

97 Seong Yeon-cheol, "Moon Meets with S. Korea Business Community for Ways to Respond to Export Controls," Hankyoreh, July 11, 2019.

98 Lee Min-hyung, "Washington Unwilling to Actively Mediate Seoul-Tokyo Trade Friction," Korea Times, July 17, 2019; "Korea Cannot Hope for U.S. Support in Spat with Japan," Chosun Ilbo, July 16, 2019.

هستند، اما، واقعیت این است که تصمیمی که واشنگتن اتخاذ می‌کند در نهایت تعیین کننده خواهد بود. به علاوه، همان گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، "بحران کرهء شمالی" موضوعی است که در وهلهء نخست جهت مصارف سیاسی داخلی توسط ایالات متحده ساخته شده است. اهمیت نظامی این قضیه به خاطر قلّابی بودن به اصطلاح تهدید کرهء شمالی کاملاً ناچیز است، اما چگونگی حل این به اصطلاح بحران برای هژمونی جهانی ایالات متحده و استراتژی آینده‌اش در مورد چین و روسیه پی‌آمدهای جدّی در بر دارد.

اُختاپوس ایالات متحده: تشنج‌های بیرونی، توطئه‌های درونی

طینت اُختاپوسی دولت ایالات متحده [در ارتباط با حل به اصطلاح بحران کرهء شمالی] به طرق مختلف خود را به نمایش گذاشته است. از جمله، اقدامات رذیلانه از سوی ارگان‌های مختلف دولتی به هر شکل ممکن تداوم داشته است. نمونهء مشخص در این مورد رأی صادره از سوی یکی از دادگاه‌های منطقه‌ای فدرال در نیویورک برای فروش یک کشتی کرهء شمالی موسوم به وایز آنست^{۹۹} است که توسط ایالات متحده به بهانهء به اصطلاح نقض تحریم‌های شورای امنیت توقیف شده بود. حکم صادره از سوی این دادگاه اجازه می‌دهد که کشتی مزبور فروخته شده و عواید حاصل از فروش آن به خانوادهء وُرمبایر به عنوان غرامت پرداخته شود.^{۱۰۰} آتو وُرمبایر یک دانشجوی آمریکایی بود که به خاطر یک جرم بسیار جزیی، اما سمبولیک، دستگیر و در دادگاهی در پیونگیانگ محاکمه و محکوم گردید. حکم صادره از سوی دادگاه شدیداً افراطی بوده و به هیچ وجه تناسبی با اتهام وارده نداشت.^{۱۰۱} وی، چند روز پس از بازگردانده

⁹⁹ Wise Honest

¹⁰⁰ Lee Je-hun, "US Federal Court Approves Request to Sell Seized N. Korean Cargo Ship," *Hankyoreh*, July 22, 2019.

¹⁰¹ به نظر می‌رسد که پس از این ماجرا، پیونگیانگ درس گرفته باشد، زیرا که در مورد دانشجوی استرالیایی (Alek Sigley) که ظاهراً مرتکب جرم مشابهی شده بود، به جای آن که به زندان فرستاده شود، از کشور اخراج گردید.

Choe Sang-hun, "North Korea Accuses Expelled Australian Student of Spying," *New York Times*, July 6, 2019.

شدن به ایالات متحده درگذشت.^{۱۰۲} سرنوشت این دانشجوی نگون‌بخت در ایالات متحده به موضوع داغ روز تبدیل گردید که از همه سو، و از جمله ترامپ، به عنوان ابزار تبلیغاتی به کار گرفته شد. رفتار بخش‌های مختلف دولت ایالات متحده در رابطه با قضیه و ایز آنست نقض آشکار قوانین بین‌المللی بود، اما از نظر سیاسی متفاوت بود. توقیف این کشتی را شاید بتوان به عنوان بخشی از مانور دیوان‌سالاری دولتی در جهت از ریل خارج ساختن مذاکرات ایالات متحده-کره شمالی دانست، در حالی که رأی دادگاه فدرال احتمالاً بیشتر مبین نخوت و استثناء‌گرایی فرا-سرزمینی بوده است. به یاد داشته باشیم که اختاپوس از شاخک‌های متعددی برخوردار است.

آن چه که طبیعتاً بیشترین توجه را به خود جلب نمود دعوت ترامپ از کیم برای ملاقات در پان‌مون‌جُم بود – نوع ترفندی که به خوبی در شیوه و سیاق ترامپ می‌گنجد. ترامپ به تمامی مباشرین‌اش پیش‌دستی زده و قدرت رییس‌جمهور را به نمایش گذاشته و در این پروسه توانست که

¹⁰² Doug Bock Clark, "The Untold Story of Otto Warmbier, American Hostage," QC, July 23, 2018.

اُتو وُرمبایر یک دانشجوی آمریکایی بود که به عنوان توریست به همراه یک تور مسافرتی در اواخر ماه دسامبر ۲۰۱۵ به کره شمالی مسافرت نمود. در اوایل ژانویه سال ۲۰۱۶ هنگام بازگشت از کره شمالی، وی در فرودگاه پیونگ‌یانگ به جرم "دزدیدن اوراق تبلیغاتی دولتی" از محل هتلی که در آن جا اقامت داشته دستگیر گردید. پس از محاکمه، وی برای این جرم بسیار جزئی به ۱۵ سال زندان با اعمال شاقه محکوم شد. مدتی طول نکشید که وی در زندان به دلایل نامشخص دچار عارضه دستگاه عصبی شده و به حالت اغما افتاد که بیش از یک سال ادامه یافت. مقامات کره‌ای که وضعیت وی را تا ژوئن سال ۲۰۱۷ مخفی نگاه داشته بودند در آن زمان ادعا نمودند که بیماری وی بر اثر مسمومیت غذایی ناشی از بوتولینوس و قرص‌های خواب‌آور بوده است. کره‌ای‌ها بلافاصله پس از اعلام این موضوع وی را در همان حالت اغما به ایالات متحده بازگرداندند. اُتو وُرمبایر، در هفدهم ژوئن و تنها چند روز پس از آن که به ایالات متحده بازگردانده شد، فوت کرد. (م.)

پوشش رسانه‌ای وسیعی را به دست آورد.^{۱۰۳} مزاحی که هیچ ژورنالیستی نباید نادیده بگیرد این است که وی اولین رییس جمهور وقت ایالات متحده است که با پر خاک کرهء شمالی نهاده است.^{۱۰۴} مزاحی که باعث شد تمامی کارشناس‌ها با تعجب سر تکان داده و کاندیداهای ریاست جمهوری حزب دموکرات به حالت سکتته بیفتند.^{۱۰۵}

در ظاهر امر این گونه به نظر می‌رسد که ترامپ بن‌بست موجود [در ارتباط با کرهء شمالی] را شکسته باشد. واقعیت این است که وی با برقراری ارتباط دوباره با کیم درهائی را باز نموده که به نظر می‌رسید که اقدام جان بولتن در از ریل خارج ساختن نشست هانوی بسته باشد. اما، شاید که مهم‌تر از همهء این زرق‌و-برق‌ها، خبرسازی و جنبهء نمایشی این دیدار، مقاله‌ای بود که در همان روز (سی‌ام ژوئن) با عنوان "ایالات متحده ممکن است که با کرهء شمالی بر سر انجماد برنامهء هسته‌ای به توافق برسد" در روزنامهء نیویورک تایمز منتشر شده بود. مایکل کراولی و دیوید سنرگر، نویسندگان این مقاله مدعی شدند که گویا در طی چند هفته‌ای که به ملاقات در منطقهء غیرنظامی منتهی گردید:

¹⁰³ David Nakamura, "Beyond 'Freedom's Frontier,' Trump Scores His Biggest Live Show Yet in North Korea," Washington Post, June 30, 2019.

¹⁰⁴ Seung Min Kim and Simon Denyer, "Trump Becomes First Sitting President to Set Foot into North Korea," Washington Post, June 30, 2019.

¹⁰⁵ Rachel Siegel, "Democratic Presidential Contenders Slam Trump for His Meeting with North Korea's Kim Jong Un," Washington Post, June 30, 2019.

البته مشخص نیست که چگونه نویسنده از مقالهء مذکور در واشنگتن پست نتیجه گرفت که گویا "کاندیداهای حزب دموکرات همگی به حالت سکتته افتاده بودند." این گونه تعبیر به نظر می‌رسد که بیشتر تعبیر شخص نویسنده بود و ارتباط دقیقی با اظهارات تک‌تک کاندیداها ندارد. (م)

ایده‌ها بسیار ملموسی در حکومت ترامپ در حال شکل گرفتن بوده که مقامات معتقدند که می‌تواند مبنایی برای دور جدیدی از مذاکرات باشد.

بر اساس این ایده، برنامه‌ها هسته‌ای [کره شمالی] منجمد شده که اساساً وضع موجود را مشروع ساخته، و ایالات متحده کره شمالی را به طور ضمنی به عنوان یک قدرت اتمی می‌پذیرد، امری که مقامات حکومت [ترامپ] به کرات عدم موافقت خود را با آن اعلام نموده بودند ...

اگرچه این رویکرد افزایش تسلیحات اتمی [کره شمالی] را متوقف خواهد ساخت، اما، دست کم در کوتاه مدت، به تخریب هیچ کدام از تسلیحات موجود دست نخواهد یافت. به علاوه، توان موشکی شمال را نیز دست نخورده باقی خواهد گذاشت.^{۱۰۶}

اهمیت این مقاله صرفاً به خاطر محتوای آن نبوده، بلکه هم چنین به خاطر نویسنده آن نیز است.

دیوید سنجر از سال‌های دهه نود به مثابه بلندگوی برخی عناصر در جامعه اطلاعاتی که قصد تأثیرگذاری بر خط مشی حکومت داشتند

¹⁰⁶ Michael Crowley and David E. Sanger, "In New Talks, U.S. May Settle for a Nuclear Freeze by North Korea," *New York Times*, June 30, 2019.

معروفیت یافته بود.^{۱۰۷} وی یکی از نویسندگان مقاله‌ای در سال ۲۰۱۸ بود که شاید به جرأت بتوان گفت که یکی از تأثیرگذارترین کارهای ژورنالیستی آن سال بوده است. این مقاله در مخالفت با نشست سنگاپور و با عنوان "در کرهء شمالی، پایگاه‌های موشکی بیان‌گر یک دروغ بزرگ" در روزنامه نیویورک تایمز منتشر شده بود.^{۱۰۸} نادرستی‌های مندرج در این مقاله آن چنان فاحش بود که سردبیر اجرایی یکی از پرفروش‌ترین روزنامه‌های لیبرال کرهء جنوبی را مجبور نمود که نامهء سرگشاده‌ای را در اعتراض به همکاری در نیویورک تایمز بنویسد.^{۱۰۹}

واقعیت این است که طرح پیش‌نهادی انجماد [برنامهء اتمی کرهء شمالی] امر تازه‌ای نبوده و از سال‌های دههء نود تا کنون مطرح بوده است. مثلاً، کرهء شمالی در سال ۲۰۱۵ پیش‌نهاد نموده بود که چنانچه ایالات متحده حاضر به تعلیق مانورهای نظامی گسترده‌اش با کرهء جنوبی باشد این کشور نیز حاضر است که در عوض آزمایش‌های هسته‌ای را متوقف سازد.^{۱۱۰} چینی‌ها نیز در طرح پیش‌نهادی صلح‌شان در سال ۲۰۱۷ بار دیگر

¹⁰⁷ Bruce Cumings, "Wrong Again," London Review of Books 25, no. 23 (2003); Jeffery Lewis, "That Secret Iranian 'Nuclear Facility' You Just Found? Not So Much," Foreign Policy, March 3, 2015; Jeffrey Lewis, "David Sanger: Two Time Loser on Kilju and Kumchang-ri?," Arms Control Wonk, May 21, 2005.

¹⁰⁸ David E. Sanger and William J. Broad, "In North Korea, Missile Bases Suggest a Great Deception," New York Times, November 12, 2018.

¹⁰⁹ Kim Jong-gu, "An Open Letter to the NY Times," Hankyoreh, December 4, 2018.

¹¹⁰ Choe Sang-hun, "North Korea Offers U.S. Deal to Halt Nuclear Test," New York Times, January 10, 2015.

این را مطرح نمودند.^{۱۱۱} ایالات متحده، اما، دائماً این پیش‌نهادها را رد نموده، احتمالاً به این خاطر که مانورهای نظامی نه تنها به عنوان آماده سازی ضروری برای یک مداخله ممکن در کرهء شمالی محسوب می‌شود، بلکه هم چنین [زمان وقوع یک مانور نظامی] بهترین زمان ممکن برای دست زدن به چنین تهاجمی است، زیرا که در آن زمان نیروهای نظامی در بهترین شرایط آماده‌گی به سر برده، و تنها چیزی که بدان نیاز خواهد بود صرفاً یک حادثه است که آن را نیز می‌توان به آسانی ساخته و هم زمان نیز کرهء شمالی را مسبب آن اعلام نموده و بدین ترتیب گناه بروز جنگ را نیز به گردن شمال انداخت.^{۱۱۲}

ایدهء توقف آزمایش‌های هسته‌ای دارای نقاط مشترکی است با ایدهء محدود سازی برنامهء هسته‌ای کرهء شمالی که بر آن اساس توان هسته‌ای این کشور به عنوان یک فاکتور بازدارنده باقی خواهد ماند تنها به این شرط که فراتر از آن توسعه نیافته و به جایی نیز صادر نشود. زیگفرید هکر، دانشمند اتی ایالات متحده، از طرفداران اصلی این ایده است که اصطلاح "سه نه" را ابداع نمود - نه به ساخت بمب‌های بیشتر، نه به ساخت بمب‌های بهتر، و نه به صدور [تکنولوژی اتی].^{۱۱۳} در میان آن‌هایی که با این پیش‌نهاد موافقت نمودند، از جمله باید از ویلیام پری و جیمز

¹¹¹ Chris Buckley and Somini Sengupta, "S. and South Korea Rebuff China's Proposal to Defuse Korea Tensions," New York Times, March 8, 2017.

¹¹² David E Sanger, "Rex Tillerson Rejects Talks with North Korea on Nuclear Program," New York Times, March 17, 2017.

¹¹³ Siegfried S. Hecker and Beth Duff-Brown, "Interview with Siegfried Hecker: North Korea Complicates the Long-Term Picture," Bulletin of the Atomic Scientists, April 5, 2013.

متیس نام برد.^{۱۱۴} هکر مدعی است که این پیش‌نهاد اولین بار هنگام سفر وی در سال ۲۰۰۶ به کرهء شمالی از سوی مقام‌های وزارت خارجه به وی ارائه شده بود.^{۱۱۵}

طرح محدود سازی [برنامهء هسته‌ای کرهء شمالی] می‌تواند مبنایی برای حل مسئله باشد. از نظر طرف کره‌ای، یکی از جنبه‌های منفی این طرح این است که اساس برنامه‌ای را که هدف‌اش بازداشتن ایالات متحده از دست زدن به تهاجم به این کشور بوده را بدون این که تکمیل شده و به طور دقیق تست شده باشد رها می‌سازد. اما، بی‌تردید کرهء شمالی از این مزیت برخوردار است که می‌تواند در شرایط موجود از این امر چشم‌پوشی کند. از آن جایی که این کشور، دقیقاً بر خلاف چین و روسیه، از ارزش بالایی برای هدف قرار گرفتن برخوردار نبوده، بنابراین صرفاً نیازمند آن است که به میزانی از خطرآفرینی محسوسی دست یابد که برای ممانعت از ایالات متحده به تهاجم کافی باشد. هر گونه اقدام ایالات متحده برای تخریب کشوری مانند چین توجه تمامی دنیا را به خود جلب خواهد نمود، و در نظر برخی، کاری است که به خطرش می‌ارزد. در حالی که فتح کرهء شمالی [به دست ایالات متحده] دست‌آورد ناچیزی برای این کشور محسوب خواهد شد و در عین حال پایهء منطقی موقعیت برتر این کشور

¹¹⁴ Geoffrey Fattig, "How the U.S. Could Provoke a New Korean War," Foreign Policy in Focus, December 11, 2017; William Perry and Yi Yong-in, "Former US Secretary of Defence Favours "Three Nos" on North Korean Nukes," Hankyoreh, October 3, 2016.

¹¹⁵ Siegfried S. Hecker et al., "Report on North Korean Nuclear Program," Centre for International Security and Cooperation, November 15, 2006.

در منطقه را از میان خواهد برد. بر پایه هر گونه محاسبهء منطقی، حتّاً احتمال این که کرهء شمالی ممکن است که بتواند دست به اقدامی تلافی-جویانه با موشک بالستیک قاره‌پیما بزند کافی است که وقوع حمله را به میزان زیادی منتفی سازد.

اما، موضع ایالات متحده پیرامون محدود ساختن [برنامهء هسته‌ای کرهء شمالی] بسیار پیچیده‌تر است. همان گونه که پیش‌تر اشاره شد، این به اصطلاح بحران کرهء شمالی اساساً نوعی تعبیر سیاسی جهت مصارف داخلی است تا آن که تهدید نظامی باشد. البته، روشن است که مسئله هیچ گاه به این صورت مطرح نمی‌شود، زیرا که خیل مقامات رسمی، ژنرال-ها، سیاست‌مداران، و متخصصینی که رسانه‌های جمعی تحت سلطهء نظرات آن‌ها قرار دارند برای کسب معاش‌شان به وجود این چنین تصویری از تهدید خارجی وابسته‌اند. این موضوع به مثابهء یک مسئلهء سیاسی داخلی به میدان نبردی میان دموکرات‌ها و جمهوری خواهان و آن‌هایی که در درون این دو حزب برای رسیدن به جای‌گاه قدرت خیز برداشته‌اند تبدیل می‌گردد.

مقالهء سنگر و کراولی از این نظر دارای اهمیت است که بیان‌گر نظرات نیروهای قدرت‌مندی در درون حاکمیت ترامپ است که سعی در محک زدن نظرات باقی حاکمیت دارند. رقابت برای انتخابات دورهء بعدی ریاست جمهوری هم اکنون آغاز شده است. موضوع روسیه-گیت به آرامی به دست فراموشی سپرده شده و دموکرات‌ها نیز پذیرفته‌اند که تحقیقات

بازرس میولر نتوانست به بار بنشیند.^{۱۱۶} ترامپ در تلاش‌اش برای انتخاب مجدد با رقابت سرسختی از سوی دموکرات‌ها رو-به-رو خواهد شد. اگرچه وی در این میان از امتیازاتی برخوردار است، اما، وضعیت اقتصادی در سال ۲۰۲۰ هنوز نامشخص بوده و از سوی دیگر حاکمیت وی با مشکلات عدیده‌ای در سیاست خارجی مواجه است. از این رو اگر وی بتواند به اصطلاح بحران کرهء شمالی را که روسای جمهور پیشین عاجز از حل آن بودند به شکلی رفع و رجوع نماید نکتهء مثبت بزرگی در کارنامه او خواهد بود. در صورت وقوع چنین چیزی، او می‌تواند ادعا کند که تحت نظارت وی آزمایشات هسته‌ای و موشکی کرهء شمالی متوقف شده و در آینده نیز اتفاق نخواهد افتاد و ایالات متحده از خطر تهدیدهای کرهء شمالی رها شده است. حال این واقعیت که ایالات متحده هیچ‌گاه در مخاطره نبوده و روءسای جمهور پیشین نیز دچار شکست نشده بودند، بلکه بر عکس خط مشیء آنها توانسته بود تنش دلخواه ایالات متحده در آسیای شرقی را ایجاد نموده، و ژاپن و کرهء جنوبی را تحت فرمان نگاه داشته و مهار چین را تقویت نموده اصولاً برای ترامپ فاقد اهمیت بوده و آن‌هایی هم که در این زمینه آگاهانه دارای مسئولیت هستند به هیچ وجه زبان بر این واقعیات نخواهند گشود. در واقع این امر به گونه‌ای از الگوی اسراییلی مدیریت تصور به جای واقعیت خواهد بود. زمانی که آزمایش‌های

¹¹⁶ Dan Balz, "Democrats Are Now Left with One Option to End Trump's Presidency: The 2020 Election," Washington Post, July 24, 2019; Marc Fisher, "On Mueller's Final Day on the National Stage, a Halting, Faltering Performance," Washington Post, July 24, 2019.

[هسته‌ای و موشکی] متوقف شده باشد، مردم بلافاصله تسلیحاتی را که تا دیروز از آن واهمه داشتند به بوته فراموشی می‌سپرند.^{۱۱۷}

در صورت امضاء یک قرارداد با کره شمالی، ترامپ از آن به عنوان اثبات این که گویا وی یک مذاکره‌گر بزرگی است استفاده نموده و این که گویا فقط کسی با کیفیات منحصر به فرد وی می‌توانسته با کیم چنین روابطی را برقرار سازد. وی که هم اکنون خود را موفق‌ترین رییس جمهور تاریخ ایالات متحده می‌نامد، طبعاً باد به غیغب انداخته و مدعی خواهد شد که وی دست به جسارتی زده که روءسای جمهور ضعیف‌تر از وی جرأت انجام آن را نداشتند.

در حقیقت، طرح پیش‌نهادی انجماد/محدود سازی [برنامه هسته‌ای کره شمالی] دهه‌هاست که مطرح بوده، ولی ایالات متحده تا کنون هیچ‌گاه پاسخی به آن نداده بود. در این رقابت نابرابر، اما زمان به نفع کره شمالی تغییر کرده است. این کشور توانسته است که به درجاتی قابل اتکاء از قدرت بازدارنده‌گی دست یافته که اجازه مانور در حیطه نفوذ نظامی ایالات متحده را می‌دهد. روابط کره شمالی با کره جنوبی، روسیه، و به ویژه با چین به شکل وسیعی بهبود یافته است. به علاوه، این کشور در برابر جنگ اقتصادی و دیپلماتیک سختی که بر علیه‌اش بی‌وقفه جریان داشته توانسته است که متکی به خود باقی بماند.

¹¹⁷ Crowley and Sanger, "In New Talks, U.S. May Settle for a Nuclear Freeze by North Korea."

کیم تا کنون توانسته که نقش ماهی‌گیر را به خوبی اجرا کند. کرهء شمالی طوری با اُختاپوس ایالات متحده درگیر شده است که در گذشته از آن اجتناب کرده بود. پس از این، پیش‌آمدهای آتی صرفاً به دعوای درونی اُختاپوس بستگی خواهد داشت. گام‌های بعدی کرهء شمالی مشروط به پاسخ ایالات متحده خواهد بود. اگر واشنگتن تمایلی به حل مسایلی مانند امنیت [کرهء شمالی] و تحریم‌های اقتصادی، حتا اگر شده به طور محرمانه، از خود نشان ندهد، آن‌گاه پیونگیانگ چاره‌ای جز خروج کامل از دور مذاکرات نداشته، و به احتمال قوی و به موازات تشدید جنگ سرد نو به دنبال یافتن پناهگاهی در آغوش چین و روسیه خواهد رفت.

تنش‌هایی که در حاکمیت ترامپ در سپتامبر ۲۰۱۹ بروز نمود شاید حاکی از گشایشی در خط مشیء حکومت ترامپ در مورد کره در آستانهء انتخابات ۲۰۲۰ باشد. کنار گذاشته شدن جان بولتن که از رأی مستقلی برخوردار بود و جایگزین کردن وی با اُبراین بیشتر از جنبهء روابط دارای اهمیت است. اُبراین نیز هم چون جان بولتن هوادار جنگ و ستیز بوده و خود زیر دست وی کار کرده، اما آن‌طور که گفته می‌شود از نظر شخصیتی کمتر ناهنجار بوده و به اندازه بولتن ماجراجو نیست.^{۱۱۸} به نظر می‌رسد که برکنار ساختن [یا کناره‌گیری] بولتن از سوی بخش بزرگی از حاکمیت مورد استقبال قرار گرفت (و حتا در پنتاگان به افتخار برکناری وی هورا کشیدند). اگرچه اُبراین مدافع سرسخت تقویت نیروی دریایی ایالات

¹¹⁸ Peter Baker, "Trump Names Robert O'Brien, a Hostage Negotiator, as National Security Adviser," *New York Times*, September 18, 2019.

متحده برای مقابله با چین است، اما تا کنون تمایلی از خود برای دامن زدن به جنگ نشان نداده است.^{۱۱۹} وی در مورد کره چیز زیادی ننوشته، و اگر چه کتاب وی با عنوان *زمانی که ایالات متحده در خواب بود* تلاشی است برای حمله به حکومت اوباما، اما وراء اشارات کلیشه‌ای متداول محتوای چندانی ندارد.^{۱۲۰}

بولتن و پمپئو غالباً اختلاف نظر داشتند و در حقیقت، اُبراین از سوی پمپئو برای جانشینی بولتن معرفی شد. شایعاتی نیز که در مورد ارتقاء استیون بایگن^{۱۲۱}، نماینده ویژه ایالات متحده برای کره شمالی، به سمت معاونت وزارت خارجه به جای یکی از منتصبین رکس تیلرسن، گام دیگری در تحکیم جای پای پمپئو در سیاست خارجی ایالات متحده است.^{۱۲۲} این جا-به-جایی‌ها بدون تغییر اساسی در خط مشی ایالات متحده نسبت به کره شمالی صرفاً به تفاوت‌های جزئی و نامحسوس در سیاست تا-کنونی ایالات متحده منجر می‌شود. چنان چه پمپئو به قضاوت خویش تشخیص دهد که طرح محدود سازی [تسلیمات هسته‌ای کره شمالی] امکان انتخاب دوباره ترامپ را تقویت نموده و در عین حال

¹¹⁹ Karen DeYoung, Josh Dawsey, and John Hudson, “[John Bolton’s Turbulent Tenure Comes to a Trumpian End](#),” Washington Post, September 10, 2019; Robert O’Brien, “[The Korean Crisis Demonstrates the Need for a Strong United States Navy](#),” Daily Caller, November 29, 2010.

¹²⁰ Robert C. O’Brien, *While America Slept* (New York: Encounter, 2016).

¹²¹ Stephen E. Biegun, *سرانجام در ۲۱ دسامبر ۲۰۱۹ توسط پمپئو به سمت معاون وزارت خارجه گماشته شد.* (م)

¹²² John Wagner and John Hudson, “[Trump Taps Robert C. O’Brien to Replace John Bolton as National Security Adviser](#),” Washington Post, September 18, 2019; Josh Rogin, “[Trump Is Expected to Tap North Korea Envoy for Deputy Secretary of State](#),” Washington Post, September 17, 2019.

به بلند-پروازی‌های شخصی خود وی نیز یاری می‌رساند، بی‌تردید خود را در موضع قوی‌تری برای تحقق آن خواهد دید.

انتخاب بایگن به این معناست که حکومت ترامپ خواهان تمرکز بر روی مسئله کره شمالی است. حکومت ترامپ در داخل با مسئله استیضاح و پایین رفتن مقبولیت در افکار عمومی رو-به-رو بوده، و در خارج نیز هژده-مونی ایالات متحده از جوانب متعدد مورد چالش قرار گرفته است. در حالی که به رغم تمامی قیل-و-قال‌ها در مورد به اصطلاح سخت بودن مذاکره با کره شمالی، در حقیقت مدیریت بحران کره شمالی از آسان-ترین مسایل سیاست خارجی ایالات متحده است. کشور کره شمالی استراتژیک و انعطاف‌پذیر بوده و احتمالاً حاضر به سازش پیرامون طرح "محدود سازی" خواهد بود، و مهم‌تر این که هیچ‌گونه تهدید نظامی [برای ایالات متحده] به شمار نمی‌رود. با عروج چین و تشدید تنازعات میان ایالات متحده و چین، کره شمالی اهمیت خویش را به عنوان مستمسکی برای تقویت حضور نظامی ایالات متحده در آسیا را از دست داده است. [در حال حاضر، مسئله کره شمالی] اساساً امری است که به درد دعوای سیاسی داخلی می‌خورد. دستگاه حکومتی ممکن است راضی به پذیرفتن موفقیتی از سوی ترامپ نباشد، اما اگر که پمپئو را به عنوان بهترین فرد در مهار ترامپ و رییس جمهور "قابل اعتماد" آینده تشخیص دهد، قطعاً حاضر به دادن چنین افتخاری به شخص او خواهد بود. اما، واقعیت این است که احتمال برقراری چنین صلحی در برابر موج عظیمی

از خصومت که بدنهء سنگین اُختاپوس را فرا گرفته کماکان بسیار ناچیز است.